NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

چهارشنبه ۴ آذر ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۹۵
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

# نوبنیاد

روزنامه سراسری صبح ایران



## دادخواهی بابت سلب حق نمایندگی

پس از چند روز کشمکش بر سر مسدود شدن سامانه الکترونیکی حجت‌الاسلام حمید رسایی، نماینده مردم تهران، دسترسی او به سامانه نمایندگی سرانجام صبح روز گذشته برقرار شد؛ اتفاقی که پس از اعتراض شماری از نمایندگان و در پی انتشار روایت‌های متفاوت از حواشی جلسه روز یکشنبه مجلس رخ داد. رسایی نیز در تشریح این ماجرا، از نقش رئیس مجلس در مسدود شدن سامانه خود انتقاد کرد و گفت برخی اطرافیان قالیباف در حال ضربه زدن به او هستند.

۳



رهبر انقلاب در پیامی به چهارمین رویداد جایزه ملی جوانی جمعیت خواستار شدند

# جبران کاستی‌ها برای امتداد نسلی ایرانیان

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به چهارمین رویداد جایزه ملی جوانی جمعیت، سیاست «افزایش جمعیت با محوریت خانواده» را یک سیاست راهبردی و از مهمترین مولفه های اقتدار و پیشرفت ایران برشمردند و تأکید کردند: بی شک هر ایرانی غیور که خواهان آینده ای روشن و با شکوه برای این آب و خاک و مردمان آن باشد، انگیزه و اراده ای قوی برای امتداد نسلی ایرانیان در تراز تمدن نوین اسلامی خواهد داشت

۲

## از مهارلابی قومی تا مقابله با دالان ترامپ

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

بحث آغاز بهره‌برداری از کریدور زنگزور با مدیریت و حضور آمریکایی‌ها در مرز ایران و ارمنستان، که این روزها با عنوان «دالان ترامپ» یا TRIPP شناخته می‌شود، بار دیگر زنگ خطر این پروژه ضد امنیتی را در شمال غرب کشور به صدا درآورده است. مسئله صرفاً احداث یک مسیر ترانزیتی نیست؛ سخن از ایجاد جای پایی برای آمریکا در یکی از حساس‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی پیرامون ایران و تغییر موازنه ارتباطی و امنیتی منطقه است؛ آن هم در مسیری که یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های اتصال ایران به اروپا از طریق ارمنستان محسوب می‌شود.

متن کامل در صفحه ۷



## خون‌خواهی رهبر شهید باید در صدر اولویت‌های بازدارندگی قرار گیرد

۲



## حکم انفصال وزیر دولت روحانی روی زمین ماند؟

۴

سیاست خارجی | صفحه ۱۱

## ترامپ پشت در پیونگ‌یانگ

درسی که ظاهراً طی بیش از دو دهه مذاکره با آمریکا و حضور تفکر برجامی در دستگاه دیپلماسی کشور، عمداً یا سهواً نادیده گرفته شد این است که آمریکا با خواهش و امتیازدهی متوقف نمی‌شود؛ بلکه زمانی ناچار به محاسبه و تغییر رفتار می‌شود که با واقعیتی مواجه شود که امکان نادیده گرفتن آن را ندارد.

اقتصادی | صفحه ۵

## جنگ و دولت علیه مسکن

بازار مسکن تهران در حالی با رکود سنگین معاملاتی و خروج بخش بزرگی از متقاضیان مصرفی مواجه است که قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در آبان‌ماه به ۳۱۰ میلیون تومان رسیده و تورم نقطه‌به‌نقطه نهاده‌های ساختمانی نیز از ۱۳۲ درصد عبور کرده است.

## خبر کوتاه

### سرلشکر وحیدی: هر نقطه‌ای که اقتضا کند، محل نبرد خواهد بود

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: همانطوری که رهبر انقلاب فرمودند، امروز دیگر جنگ صرفا به صورت منطقه‌ای نخواهد بود و در هر نقطه‌ای که اقتضا کند، می‌توانیم شاهد توسعه نبرد باشیم. این موضوعی است که دشمنان باید متوجه باشند که لزوما دیگر جنگ به صورت منطقه‌ای نخواهد بود وی افزود: همه چیز در کنترل رزمندگان عزیز ما است و با قدرت در مواضع خود ایستاده‌اند؛ رزمندگان قوی‌تر از همیشه در دفاع از ایران و اسلام و ملت عزیز در میدان هستند.

### جلیلی: حضور ملت در خیابان‌ها، یک حرکت تمدن‌ساز است

نماینده رهبر انقلاب در شورای عالی امنیت ملی در نشست «دانشگاه مبعوث، هر استاد یک بسیج» گفت: اینکه رهبر شهید فرمودند اگر دشمن یک روز جسارتی بکند، خداوند این ملت را مبعوث خواهد کرد و ملت کار را تمام خواهد کرد. این «تمام خواهد کرد» در عرصه‌های مختلف است. وی افزود: لازمه تمام کردن، امتداد این موضوع به صحنه‌های مختلف است. اساتید ما به یک نوع، صنعت ما به یک نوع، هنر ما به یک نوع؛ هر کسی باید بیاید آن را امتداد بدهد و این را فرصت و ظرفیت را در شکل حداکثری‌اش ظهور و بروز بدهد. این، لازمه‌اش همان تفکر بسیجی است، لازمه اش شجاعت و غیرت است.

### انتقاد گودرزی عضو هیات رئیسه مجلس از نیکزاد

روز گذشته، عباس گودرزی، عضو هیات رئیسه مجلس در صفحه شخصی خود نوشت: به عنوان احدی از اعضای هیات رئیسه مجلس معتقدم جلسه (دیروز) را می‌شد به نحو احسن و بدون حاشیه، با تکیه بر ظرفیت‌های آئین نامه داخلی اداره نمود، اما خُب اختیار با بنده نبود. در خصوص تعطیلی جلسه هم، بنده رای مخالف دادم و در صورتجلسه نوشتم که این کار را خلاف حکمرانی صحیح می‌دانم.

### انتقاد ظهوریان، از نحوه برخورد هیأت رئیسه با حواشی جلسه روز یکشنبه

میثم ظهوریان، نماینده مردم مشهد درباره در واکنش به برخورد ناقص هیات رئیسه با حواشی روز یکشنبه اظهار کرد: ما حتی اگر کسی را شر مطلق بدانیم، اما اینکه حقوق نمایندگی اش را سلب کنیم کار شایسته ای نیست! آنچه روز یک‌شنبه در مجلس رخ داد، حرمت نهاد مجلس را زیر سوال برد، روایت هایی که از این اتفاقات بیان شد، ناقص و یک طرفه بودند/بخش اصلی ماجرا که شامل الفاظ ناشایست و اهانت به فضای مجلس بود، حذف شده بود! اگر قرار بر روایت است، باید کامل باشد؛ نباید حقوق شهروندی و نمایندگی افراد سلب شود.

### انفجار چهار نفتکش متخلف در شرق تنگه هرمز

روز گذشته، روابط عمومی نیروی دریایی سپاه اعلام کرد: سحرگاه امروز یک فروند نفتکش متخلف در مسیر جعلی و غیرمجاز تنگه هرمز با اصابت به مین دریایی دچار انفجار و آتش سوزی شدید شد.

شایان ذکر است همراه این نفتکش منفجر شده، دو نفتکش متخلف دیگر نیز بعد از مشاهده برخورد نفتکش به مین و هشدار رادیویی مرکز کنترل تردد تنگه هرمز نیروی دریایی سپاه مجبور به بازگشت به خلیج فارس شدند.

رهبر انقلاب در پیامی به چهارمین رویداد جایزه ملی جوانی جمعیت خواستار شدند

# پیگیری مجدّانهٔ سیاست افزایش جمعیّت جوان

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به چهارمین رویداد جایزه ملی جوانی جمعیت، سیاست «افزایش جمعیت با محوریت خانواده» را یک سیاست راهبردی و از مهمترین مولفه های اقتدار و پیشرفت ایران برشمردند و تأکید کردند: بی شک هر ایرانی غیورکه خواهان آینده ای روشن و با شکوه برای این آب و خاک و مردمان آن باشد، انگیزه و اراده ای قوی برای امتداد نسلی ایرانیان در تراز تمدن نوین اسلامی خواهد داشت.



متن پیام رهبر انقلاب اسلامی که توسط سرکار خانم دکتر مرضیه وحید دستجردی صبح روز گذشته در این رویداد قرائت شد، به این شرح است:

بسم‌الله‌الرّحمن الرّحیم

برگزاری چهارمین رویداد ملّی جوانی جمعیّت، مناسبت خوبی برای صحبت در مورد مسئله خطیر جمعیّت است. در میان مؤلّفه‌های اقتدار و پیشرفت و دستیابی به ایران هرچه قوی‌تر، مسئلهٔ افزایش جمعیّت آیندهٔ ایران عزیز با حفظ همهٔ جهات مطلوبهٔ کمّی و کیفی، از اهمّ آن بشمار می‌آید. این مسئلهٔ راهبردی و سرنوشت‌ساز که در دهه‌های اخیر بارها مورد تأکید رهبر عظیم‌الشّأن شهید اعلی‌الله مقامه‌الشّریف قرار گرفته بود، هم در به فعلیّت رساندن قوّت‌ها و در خَلق و ارتقاء فرصت‌های متعدّد علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، و هم در دفع و رفع تهدیدات و بدخواهی‌های دشمنان، مؤثّر است. بنظر می‌رسد که بعد از غفلتی ممتد و خسارت‌بار که بر صحنهٔ برنامه‌ریزی و مدیریت امور کشور حاکم شده بود، اینک در اثر بعضی اقدامات، مجالی فراهم شده تا مردم و مسئولان با نگرشی عمیق‌تر به این مسئله بپردازند.

در توجّه به شئون مختلف جمعیّت و ملزومات و مایحتاج آن در انواع عرصه‌ها، گاه خانواده و گاه فرد، معیار سنجش امور می‌باشد. در بعضی از امور از قبیل مسکن و بسیاری از کالاها و خدمات، مصرف‌کننده و کاربر آن، خانواده و در بعضی دیگر از قبیل خوراک، پوشاک، و اموری مرتبط با سلامت، فرد به‌عنوان واحد معیار در نظر گرفته می‌شود. مسئلهٔ دستیابی به جمعیّت مطلوب از اموری است که هر دو جهت در آن دخالت دارد. از این‌رو پرداختن به انواع زیرساخت‌ها و جهات مرتبط با تحکیم بنیان خانواده، یک عنصر دائمی در مسیر تلاش برای اصلاح منحنی جمعیّت کشور خواهد بود؛ همچنان‌که رسیدگی به شئون فردی مرتبط نیز لازم است. توجّه جدّی و کلان به امر تسهیل ازدواج در سنّ جوانی، تأمین سلامت فردی، که خود وابسته به امور متعدّده‌ای است، حمایت از فرزندآوری، ترویج فرهنگ خانواده‌محوری و معرّفی نمونه‌های موفّق در این زمینه هریک به‌منزلهٔ قدمی مؤثّر در مسیر قوی‌ترشدن ایران است. همچنین تبیین صحیح این مطالب برای آحاد ملّت و به‌خصوص جوانان هم کمکی دیگر در این جهت خواهد بود.

بی‌شک هر ایرانی غیور که خواهان آینده‌ای روشن و با شکوه برای این آب و خاک و مردمان آن باشد، انگیزه و اراده‌ای قوی برای امتداد نسلی ایرانیان در تراز تمدّن نوین اسلامی خواهد داشت. عمیقاً امیدوارم با جبران کاستی‌های ناشی از بعضی سیاست‌های گذشتهٔ جمعیّتی و پیگیری مجدّانهٔ سیاست صحیح و راهبردی افزایش جمعیّت جوان و محوریّت خانواده در این مقوله، میهن عزیزمان از گردنهٔ خطیر و مرحلهٔ سرنوشت‌سازی که در آن قرار داریم، به‌سلامت عبور نماید و با توفیقات الهی و دعای خیر و برکت سَرورمان عجّل‌الله‌تعالی فرجه‌الشّریف، اسباب نزول برکات الهی بر ایرانیان که پرچم‌داران حق و عدالت در این روزگار بشمار می‌آیند، هر چه بیشتر و بهتر فراهم شود، بمنّه و کرمه.

سیّدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۳/آذر/۱۴۰۵

## سیاسی

### خلجی: خون‌خواهی رهبر شهید باید در صدر اولویت‌های بازدارندگی قرار گیرد



روز گذشته، سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع رسانی دولت شهید رئیسی در گفتگوی ویژه خبری به نکات مهمی درباره ضرورت شکستن محاصره آمریکا و خونخواهی امام شهید اشاره کرد. خلجی در این گفتگو اظهار کرد: با تکیه بر تجربه یک سال و نیم گذشته که دشمن در تمام مراحل شکست خورد، اقدام جدید برای محاصره نیز با شکست مواجه خواهد شد. وی افزود: ایران دست‌بسته نیست و اگر قرار باشد ایران نتواند در منطقه تجارت کند یا نفت بفروشد، هیچ کشور دیگری در این منطقه اجازه چنین کاری نخواهد داشت.

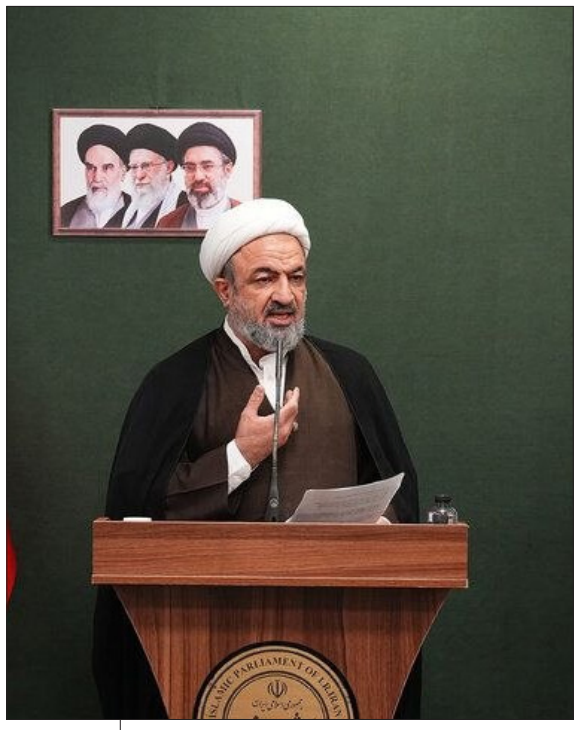
رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم تاکید کرد: آمریکایی‌ها تاکنون از تمام ابزارهای موجود در جعبه ابزار خود استفاده کرده‌اند و این اقدام، آخرین حربه آن‌ها محسوب می‌شود. خلجی در ادامه با بیان اینکه، خون‌خواهی رهبر شهید باید در صدر اولویت‌های بازدارندگی قرار گیرد. افزود: از مهم‌ترین الزامات تحقق بازدارندگی مطلق، تداوم جدی «خون‌خواهی» و قرار داشتن قصاص عاملان شهادت رهبر عزیز، فرماندهان، فرزندان و دانش‌آموزان در اولویت است. این موضوع نباید از دستور کار خارج شود، چراکه فشارهای پیشین نیز مقام‌هایی از جمله وزیر خزانه‌داری آمریکا را به پناه بردن به پایگاه نظامی واداشت.

وی افزود: کشورهای منطقه در تحریک ترامپ برای حمله به ایران نقش ویژه‌ای داشتند و تصور می‌کردند آمریکا می‌تواند ظرف یک هفته جمهوری اسلامی را با فروپاشی مواجه کند. این کشورها اکنون دریافته‌اند که آمریکا نه‌تنها عامل امنیت نیست، بلکه موجب ناامنی در منطقه است.

حجت‌الاسلام رسایی پس از هفته‌ها تلاش و اعتراض موفق شد به کارتابل مجلس دسترسی پیدا کند

# دادخواهی بابت سلب حق نمایندگی

**پس از چند روز کشمکش بر سر مسدود شدن سامانه الکترونیکی حجت‌الاسلام حمید رسایی، نماینده مردم تهران، دسترسی او به سامانه نمایندگی سرانجام صبح روز گذشته برقرار شد؛ اتفاقی که پس از اعتراض شماری از نمایندگان و در پی انتشار روایت‌های متفاوت از حواشی جلسه روز یکشنبه مجلس رخ داد. رسایی نیز در تشریح این ماجرا، از نقش رئیس مجلس در مسدود شدن سامانه خود انتقاد کرد و گفت برخی اطرافیان قالیباف در حال ضربه زدن به او هستند.**



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

قطع دسترسی غیرقانونی حجت‌الاسلام رسایی به سامانه الکترونیکی مجلس، با انتقادات و حواشی خاص خود همراه بود. موضوعی که نهایتا با تصمیم هیات رئیسه منجر به تعطیلی صحن مجلس گردید. نکته عجیب ماجرا آنجا بود که بعد از این تصمیم، روایت‌های خلاف واقع و بعضا کذبی از سوی نزدیکان رئیس مجلس منتشر شد که انتشارشان، صریحا نسبت‌های دروغی را به نمایندگان انقلابی مجلس وارد می‌ساخت. در این میان و با توجه به این روایت‌های غلط، طی روزهای اخیر بسیاری از نمایندگان حاضر در صحن درخصوص جزئیات این ماجرا توضیحاتی داده بودند که نهایتا مشخص شد اصل ماجرا از چه قرار بوده است.

در ادامه رفت و برگشت‌های رسانه‌ای از جزئیات اتفاقات مجلس، شامگاه دوشنبه، حجت‌الاسلام حمید رسایی، با انتشار دردنامه‌ای ۳۳ دقیقه‌ای، مطالبی را پیرامون اتفاقات اخیر مطرح کرد.

حجت‌الاسلام حمید رسایی، نماینده مردم تهران در مجلس، با اشاره به حکم قضایی صادرشده علیه خود اظهار کرد: درباره حکم قضایی، اگرچه آن را قبول نداشتم و مسئولان می‌گفتند قانونی است، اعلام کردم که برای اجرای حکم شخصاً اقدام می‌کنم و از حضور در زندان نیز امتناع نخواهم کرد. اما اکنون ناچار شده‌ام موضوع محدودیت در حق نمایندگی خود را رسانه‌ای کنم.

نماینده مردم تهران در مجلس با اشاره به اینکه در زمان صدور حکم بدوی و قطعی از رسانه‌ای کردن آن خودداری کرده است، علت سکوت خود را توصیه رهبر انقلاب دانست و گفت: حضرت آقا فرموده بودند اختلافات، حتی اختلافات موجه، نباید به کدورت و اختلاف در جامعه منجر شود. به همین دلیل سکوت کردم و موضوع را رها کردم تا زمان اجرای حکم که طبیعتاً خبر آن علنی می‌شد.

وی با بیان اینکه مدتی است به‌صورت غیرقانونی عملاً از انجام وظایف نمایندگی محروم شده است، تصریح کرد: در این موضوع، قوه قضائیه نقشی ندارد و شخص آقای قالیباف سامانه نمایندگی بنده را مسدود کرده است.

وی درباره توجیه مسئولان برای مسدود نگه داشتن سامانه خود بیان کرد: استدلال آن‌ها این بود که سامانه و تبلت باید در اختیار خود نماینده باشد و چون من در زندان هستم، نباید سامانه‌ام فعال باشد. در حالی که همه آن‌ها می‌دانند این استدلال درست نیست و خودشان نیز به من گفته‌اند بسیاری از نمایندگان شخصاً پشت تبلت نمی‌نشینند و تبلت در اختیار دفاترشان قرار دارد.

این نماینده مجلس با اشاره به پیگیری حضوری موضوع در مجلس گفت: تصمیم گرفتم شخصاً به مجلس بروم و موضوع را پیگیری کنم. به سراغ آقای حاجی‌بابایی رفتم و پرسیدم چرا تبلت من را مسدود کرده‌اید و چرا اجازه نمی‌دهید در جلسه شرکت کنم؟

رسایی با انتقاد از ارجاع موضوع به قوه قضائیه برای دریافت استعلام گفت: هرچه پیگیری کردیم، آقای حاجی‌بابایی می‌گفت به قوه قضائیه نامه نوشته‌ایم و منتظر پاسخ هستیم. به ایشان گفتم این موضوع چه ارتباطی به قوه قضائیه دارد و چرا باید چنین استعلامی گرفته شود؟ چنین استعلامی اساساً معنایی ندارد و همه می‌دانند چه اتفاقی افتاده است. همه با آقای قالیباف هماهنگ می‌کنند و دستور از سوی ایشان صادر شده است.

وی ادامه داد: آقای گودرزی نزد من آمد و گفت اجازه بدهید خودم موضوع را مطرح کنم و شما فعلاً چیزی نگویید. من هم پذیرفتم. ایشان نیز تذکر داد و اعلام کرد که این اقدام خلاف شرع است و هیچ دلیلی برای مسدود کردن تبلت من وجود ندارد.

وی افزود: تصور می‌کردیم پس از این تذکرات، مسئولان متوجه اشتباه خود می‌شوند و سامانه را باز می‌کنند، اما چنین اتفاقی نیفتاد. تبلت من در روز چهارشنبه نیز باز نشد و باز هم موضوع را رسانه‌ای نکردم. نمایندگان دیگر نیز تذکر دادند، اما با وجود پیگیری‌های روزهای پنجشنبه، جمعه و شنبه، سامانه همچنان مسدود ماند.

رسایی با اشاره به پیگیری مجدد موضوع در روز یکشنبه اظهار کرد: به همراه دوستان به مجلس آمدیم و پیش از آغاز جلسه به آقای نیکزاد گفتیم با بخش فناوری تماس بگیرید و دستور دهید سامانه را باز کنند تا این ماجرا پایان پیدا کند. ایشان گفتند نمی‌توانند چنین کاری انجام دهند و باید منتظر بمانیم تا مشخص شود چه اتفاقی می‌افتد.

رسایی با اشاره به گفت‌وگوی آقای نیکزاد با رئیس مجلس بیان کرد: آقای نیکزاد با آقای قالیباف نیز صحبت کرد، اما گفت ایشان این موضوع را نمی‌پذیرد و به من توصیه کرد کوتاه بیایم.

وی با اشاره به تنش ایجادشده در جریان پیگیری این موضوع گفت: با وجود همه تلاش‌ها، مسئله حل نشد و در نهایت تنشی نیز ایجاد شد. تأکید می‌کنم هیچ‌یک از نمایندگان انقلابی، توهین یا بی‌ادبی نکردند و فیلم این اتفاقات موجود است. رسایی تأکید کرد: با وجود اینکه تلفن‌های همراه همه ما را گرفته‌اند، حدود ۱۰ دوربین در آنجا وجود داشته است. اگر فیلمی دارید، منتشر کنید تا مشخص شود چه کسی توهین کرده، و چه کسی تلاش کرده مانع علنی شدن اختلافات شود.

نماینده مردم تهران درباره بی‌معنی بودن اخذ استعلام جهت بازگشت دسترسی وی به سامانه، اظهار کرد: دادستان محترم ویژه توضیح داده که این موضوع اساساً ارتباطی به قوه قضائیه ندارد و مشخص نیست چرا چنین استعلامی صورت گرفته است. ایشان تأکید کرده‌اند اگر قرار بود اعلام شود این فرد صلاحیت نمایندگی ندارد، باید این موضوع در حکم یا رأی قضایی او درج می‌شد؛ بنابراین استعلامی که صورت گرفته، اساساً بی‌معناست.

## خط و نشان ریاست مجلس برای منتقدان

روز گذشته و پس از چند جلسه غیبت، رئیس مجلس در بهارستان حضور یافت. قالیباف با اشاره به اتفاق تلخ روز یکشنبه که یک «فرد غیرنماینده» با فحاشی ناموسی به نمایندگان باعث تشنج و برگزار نشدن جلسه شد، از نمایندگانی که به درستی خواستار اجرای قانون و وصل شدن تبلت رسایی شده بودند گلایه کرد!

رئیس مجلس سپس بدون روایت کامل جلسه روز یکشنبه، اعتراض قانونی نمایندگان برای اجرای قانون و وصل شدن تبلت همکارشان را «تحمیل خواسته چند نفر» توصیف کرد و اظهار داشت: این یک رویه خطرناک است که نباید عادی و کم هزینه باشد و باید با این نمایندگان برخورد شود! گفتنی است که رئیس مجلس در ادامه به دستور رهبر انقلاب مبنی بر حفظ وانسجام مسئولان تاکید کرد تا اختلافات به تفرقه تبدیل نشود. این درحالی است که بسیاری از مردم و فعالان سیاسی و رسانه‌ای معتقدند که زندانی کردن یک نماینده به خودی و خود یک اقدام تفرقه‌آمیز است.

**سامانه نمایندگی حجت‌الاسلام رسایی بازشد**

**درپی اعتراضات گسترده نمایندگان مجلس به محدودیت‌های ایجاد شده برای حجت الاسلام رسایی، بالاخره صبح روز گذشته، سامانه نمایندگی وی بازشد. رسایی دراینباره گفت: به دلیل مصالح کشور برخی نکات را بیان نمی کنم، با آقای قالیباف دعوا نداشتم و قهر نبودم تا نیاز به آشتی باشد، با اصرار نمایندگان مواجه و مصافحه بین بنده و آقای قالیباف برقرار شد، همانطورکه قبلا اعلام کردم هیچ دلیلی برای عذرخواهی وجود ندارد، به ایشان اعلام کردم که برخی اطرافیان در حال ضربه زدن به او هستند، تاکید کردم این مسیر باعث لطمه به اوست.**

یادداشت

## قانون برای منتقدان، مصلحت برای هیات‌رئیسه!

امین مهاجر
روزنامه‌نگار

اظهارات اخیر محمد باقر قالیباف درباره حواشی مجلس، بیش از آنکه به روشن شدن ابعاد اتفاقات روز یکشنبه کمک کند، پرسش‌های تازه‌ای درباره نحوه مدیریت مجلس و مواجهه رئیس آن با نمایندگان منتقد ایجاد کرد. رئیس مجلس در سخنان خود، با تأکید بر ضرورت حفظ وحدت و انسجام مسئولان، اعتراض تعدادی از نمایندگان به مسدود شدن سامانه الکترونیکی حجت‌الاسلام رسایی را رویه‌ای خطرناک دانست و از ضرورت برخورد با چنین رفتارهایی سخن گفت؛ اما در این میان، یک پرسش اساسی بی‌پاسخ ماند: چرا رئیس مجلس به جای توضیح درباره علت شکل‌گیری این اعتراض، ترجیح داد معترضان را به برخورد تهدید کند؟

ماجرای روز یکشنبه از یک مطالبه روشن آغاز شد؛ تعدادی از نمایندگان خواستار رفع محدودیت دسترسی همکار خود به سامانه نمایندگی و بازگشت امکان ایفای وظایف قانونی او بودند. این مطالبه، فارغ از اختلاف نظرهای سیاسی و شخصی، موضوعی مرتبط با حقوق نمایندگی و نحوه اداره مجلس بود. با این حال، قالیباف در روایت خود از اتفاقات، بیش از آنکه به چرایی مسدود شدن سامانه و مسئولیت هیات‌رئیسه در این ماجرا بپردازد، بر نحوه اعتراض نمایندگان تمرکز کرد و آن را به تلاش چند نفر برای تحمیل خواسته‌هایشان تقلیل داد. این شیوه روایت، دست‌کم یک بخش مهم ماجرا را نادیده می‌گیرد؛ اعتراض نمایندگان از کجا آغاز شد و چرا به رغم پیگیری‌های مکرر، مطالبه آنها در مسیر عادی و قانونی به نتیجه نرسید؟ اگر قرار است آیین‌نامه داخلی مجلس معیار رفتار نمایندگان باشد، آیا همین قانون برای رئیس و هیات رئیسه نیز الزام‌آور نیست؟ قالیباف از نمایندگان خواست اعتراض‌های خود را از مسیرهای پیش‌بینی‌شده در آیین‌نامه پیگیری کنند. این حرف در حالی مطرح می‌شود که خود نمایندگان بارها نسبت به محدود شدن امکان استفاده از ظرفیت‌های آیین‌نامه، از جمله فرصت تذکر و پیگیری مطالبات، انتقاد کرده‌اند. رئیس مجلس نمی‌تواند از یک سو بر رعایت سازوکارهای قانونی تأکید کند و از سوی دیگر درباره اجرا نشدن بخش‌هایی از همین سازوکارها و محدودیت‌های ایجادشده برای نمایندگان پاسخ‌گو نباشد.

نکته مهم‌تر، استفاده از ادبیات تهدیدآمیز در مواجهه با نمایندگان منتقد است. اینکه رئیس مجلس اعتراض چند نماینده را رویه‌ای خطرناک بداند و بر ضرورت برخورد با آنها تأکید کند، بدون آنکه ابتدا درباره منشأ اعتراض و مسئولیت تصمیمات منجر به آن توضیح دهد، نمی‌تواند به حل مسئله کمک کند. مجلس نهادی است که اساساً برای طرح اختلاف نظرها و نظارت بر عملکرد مسئولان شکل گرفته است. اگر قرار باشد اعتراض به تصمیمات هیات‌رئیسه با تهدید به برخورد پاسخ داده شود، چه تضمینی برای حفظ استقلال رأی و حق نظارتی نمایندگان باقی می‌ماند؟

قالیباف در بخش دیگری از سخنان خود به توصیه رهبر انقلاب درباره حفظ وحدت و جلوگیری از تبدیل اختلافات به تفرقه اشاره کرد. وحدت زمانی معنا دارد که مسئولان نیز در برابر نقد پاسخ‌گو باشند و از جایگاه مدیریتی خود برای محدود کردن صدای مخالفان استفاده نکنند. نمی‌توان از یک طرف بر پرهیز از اختلاف تأکید کرد و از طرف دیگر، با تصمیماتی که زمینه‌ساز اختلاف شده‌اند، بدون توضیح و پاسخ‌گویی عبور کرد.

از همین منظر، وقتی یک نماینده در میانه دوره مسئولیت خود با حکم قضایی مواجه می‌شود و سپس امکان دسترسی او به سامانه نمایندگی نیز مسدود می‌ماند، نمی‌توان انتظار داشت این اتفاق بدون پرسش و مطالبه از سوی سایر نمایندگان باقی بماند.

مسئله امروز مجلس، صرفاً باز یا بسته بودن تبلت یک نماینده نیست؛ مسئله، نحوه مواجهه با حق نمایندگی و میزان پایبندی هیات‌رئیسه به قانون است. بازگشایی سامانه رسایی نیز اگرچه به این محدودیت پایان داد، اما پرسش‌های مربوط به علت انسداد آن و نحوه مدیریت این ماجرا را از میان نبرد. قالیباف نمی‌تواند صرفاً با محکوم کردن شیوه اعتراض نمایندگان، از پاسخ‌گویی درباره تصمیمی که اعتراض‌ها را رقم زد، عبور کند. اگر قرار است قانون فصل‌الخطاب باشد، این قاعده باید پیش از همه درباره رئیس و هیات‌رئیسه مجلس صدق کند.

# حکم انفصال وزیر دولت روحانی روی زمین ماند؟



پرونده ادامه فعالیت محمد شریعتمداری در شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس در حالی وارد مرحله تازه‌ای شده که دیوان محاسبات کشور بار دیگر بر قطعی و لازم‌الاجرا بودن حکم انفصال او تأکید کرد. شریعتمداری که در دولت حسن روحانی، وزیر صنعت، معدن و تجارت بود، اکنون با وجود صدور حکم انفصال، همچنان موضوع اختلاف میان مدیریت هلدینگ، وزارت نفت و نهادهای نظارتی قرار دارد. خبر توقف اجرای حکم انفصال شریعتمداری روز دوشنبه منتشر شده بود اما دیوان محاسبات دیروز در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «درخواست اعاده دادرسی محمد شریعتمداری در محکمه تجدیدنظر دیوان محاسبات مورد رسیدگی قرار گرفته و طی رأی ۱۹ مرداد امسال رد شده است؛ بنابراین حکم انفصال وی قطعی و لازم‌الاجراست و هیچ تصمیم قضایی مبنی بر توقف یا تعلیق اجرای آن صادر نشده است. در ادامه این اطلاعیه با استناد به مواد ۲۸ و ۲۹ قانون دیوان محاسبات آمده است که آرای مرجع تجدیدنظر قطعی است و رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی نیز در صلاحیت همان محکمه صادرکننده حکم قرار دارد. این نهاد نظارتی افزود: هرگونه ادعا درباره توقف یا تعلیق اجرای حکم، بدون وجود تصمیم قانونی از سوی مرجع صالح، فاقد وجاهت حقوقی است. براساس اعلام دیوان، هیچ مرجع اداری یا مدیریتی صلاحیت مداخله در این موضوع و توقف اجرای حکم را ندارد. دیوان محاسبات همچنین درباره پیامدهای ادامه فعالیت شریعتمداری هشدار داد و اعلام کرد: با توجه به قطعیت حکم و فقدان هرگونه تصمیم قضایی مبنی بر توقف اجرای آن، استمرار حضور محمد شریعتمداری در سمت مدیریتی، تصدی امور، مداخله در فعالیت‌های مالی، امضای اسناد تعهدآور و هرگونه ایفای نقش مدیریتی در شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس، می‌تواند مصداق تمرد از قانون و واجد وصف مجرمانه مستقل باشد و مسئولیت تعقیب قانونی آن را متوجه اشخاص ذی‌ربط کند.

داود محمدی، دادستان دیوان محاسبات نیز روز دوشنبه هفته جاری در نامه‌ای به حمید بورد، سرپرست وزارت نفت، خواستار اعلام علت تأخیر در اجرای احکام قطعی انفصال عبدالله‌علی عسکری، مدیرعامل پیشین هلدینگ خلیج فارس و محمد شریعتمداری شده بود. دادستان دیوان در این نامه تأکید کرد که مسئولیت‌های ناشی از عدم اجرای حکم صادره به عهده سرپرست وزارت نفت خواهد بود. با وجود گذشت چند ماه از صدور حکم انفصال و تکرار هشدارهای دیوان محاسبات، بلاتکلیفی مدیریتی در هلدینگ خلیج فارس همچنان ادامه دارد و مشخص نیست وزارت نفت چه زمانی به این پرونده طولانی پایان می‌دهد و محمد شریعتمداری را برکنار خواهد کرد.

## موج خبر

### آمار عجیب دیوان محاسبات از انتصابات رانتی در وزارت کار

سؤال نمایندگان از احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در جلسه علنی دیروز (سه‌شنبه ۳ آذرماه) مجلس در دستور کار خانه ملت قرار داشت. زینب قیصری، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، نیز در این جلسه به‌عنوان نماینده سؤال‌کننده از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: اگر نظام جامع، یکپارچه و شفاف تأمین اجتماعی شکل گرفته بود، امروز در کشور شاهد این همه ناهماهنگی و سردرگمی در ارائه خدمات بیمه‌ای و حمایتی به مردم نبودیم و اگر منابع پایدار صندوق‌ها تأمین و از ذخایر متعلق به بیمه‌شدگان صیانت می‌شد، این چنین نگران آینده نبودیم. وی تأکید کرد: صندوق‌های بازنشستگی حیات خلوت و دارایی شخصی مدیران آقای میدری نیست. این سرمایه حاصل سال‌ها تلاش و حق بیمه‌ای است که کارگران و کارمندان در طول عمر خود پرداخت کرده‌اند. این دارایی‌ها امانت میلیون‌ها بازنشسته است و حفاظت از آن‌ها از ابتدایی‌ترین وظایف شماست. راستی، از بانک جامع ۳ هزار ملک صندوق بازنشستگی کشور چه شد؟ اگر هشدارها و پیگیری‌های نظارتی نمایندگان نبود، امروز ملک ۳۰ هکتاری ساحل سرخرود، همچون ملک کفش ملی و املاک صندوق بازنشستگی هما، به تاراج رفته بود.

قیصری با انتقاد از انتصابات صورت‌گرفته در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: براساس گزارش رسمی بازوی نظارتی مجلس (دیوان محاسبات کشور)، از ۱۹۸۴ پست مدیریتی، فقط برای ۴۳ نفر ترتیبات قانونی تأیید صلاحیت طی شده و ۳۹۲ نفر از مدیران نورچشمی شما (میدری) به‌طور هم‌زمان عضو هیأت‌مدیره بیش از یک شرکت هستند. او خاطرنشان کرد: ملتی که برای صیانت از کشور و انقلاب، جان و مال خود را تقدیم کرده است، آیا شایسته مدیرانی متعهد و کارآمد نیست؟ مدیری که دغدغه آبادانی ایران و سرمایه‌های مردم را داشته باشد، نه اینکه به اقامت فرزندان و خانواده‌اش در سوئد افتخار کند. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفت: درآمد شستا از ۱۶۳ هزار میلیارد تومان به ۳۰ میلیارد تومان رسیده است و سود دلاری شستا سقوط کرده و سود حاصل از سهام نیز از ۸۸۰۰ میلیارد تومان به صفر رسیده است. شستا امانت بازنشستگان و کارگران است.

### وزیر تعاون هم کارت زرد گرفت

نمایندگان مجلس از پاسخ وزیر کار و تعاون اجتماعی قانع نشدند و در نهایت، نمایندگان با ۱۰۴ رأی موافق، ۱۱۵ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع از مجموع ۲۵۶ نماینده حاضر، توضیحات وزیر مربوطه را قابل قبول ندانستند و به وی کارت زرد دادند.

«نوبنیاد» در پاسخ به ادعای دستگاه اطلاع‌رسانی و سخنگویی دولت گزارش می‌دهد

# نقش ویژه پزشکیان در گرانی‌ها



**فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، روزگذشته بار دیگر شرایط جنگی را یکی از عوامل افزایش تورم معرفی کرد و گفت: «جنگ دو پیامد مشخص، یعنی تورم و رکود دارد.» این اظهارات در حالی مطرح شد سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان از رشد ۳۱ درصدی پرونده‌های تخلف انبارها و جهش ۱۰۲۶ درصدی ارزش ریالی آنها خبر داد. بررسی روند شاخص‌های تورمی از ابتدای فعالیت دولت چهاردهم نیز نشان می‌دهد شتاب افزایش قیمت‌ها ماه‌ها قبل از آغاز جنگ آغاز شده بود و سیاست‌های ارزی، به‌ویژه تصمیمات نیمه دی‌ماه سال گذشته، نقش مهمی در تشدید آن داشته است.**

نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

بدون تردید جنگ، تحریم و محدودیت‌های تجاری (محاصره دریایی) بر اقتصاد کشور اثر می‌گذارند. آسیب به زیرساخت‌های تولید و افزایش هزینه حمل‌ونقل، همگی می‌توانند فشار تورمی ایجاد کنند، اما نسبت دادن تمام گرانی‌ها به شرایط جنگی، نادیده گرفتن مسیری است که دولت مسعود پزشکیان پیش از آغاز جنگ طی کرده بود. آمارهای مرکز آمار نشان می‌دهد تورم از ابتدای دولت چهاردهم، تحت تأثیر تصمیمات اقتصادی و ارزی، از روند نزولی خارج شد و در ماه‌های پیش از جنگ به سطوح بالایی رسید.

روند کاهش نرخ تورم که از اردیبهشت ۱۴۰۲ آغاز شده بود، پس از حدود ۲۰ ماه کاهش متوالی، یعنی در بهمن ماه ۱۴۰۳ یعنی با گذشته ۵ ماه از عمر دولت چهاردهم متوقف شد. نرخ تورم سالانه در این ماه به ۳۲ درصد رسید؛ رقمی که در مقایسه با فروردین ۱۴۰۳، یعنی ۳۸.۸ درصد، از کاهش قابل توجه تورم حکایت داشت. این روند در اسفند ۱۴۰۳ نیز ادامه نیافت و تورم سالانه به ۳۲.۵ درصد افزایش یافت. با آغاز سال ۱۴۰۴، مسیر افزایش تورم آشکارتر شد. نرخ تورم سالانه از ۳۳.۲ درصد در فروردین به ۳۳.۹ درصد در اردیبهشت، ۳۴.۵ درصد در خرداد، ۳۵.۳ درصد در تیرو ۳۶.۳ درصد در مرداد رسید. این روند در ماه‌های بعد نیز ادامه یافت و تورم سالانه در شهریور به ۳۷.۵ درصد، مهر به ۳۸.۹ درصد، آبان به ۴۰.۴ درصد و آذر به ۴۲.۲ درصد افزایش پیدا کرد. در دی‌ماه ۱۴۰۴ نرخ تورم سالانه به ۴۴.۶ درصد و در بهمن‌ماه به ۴۷.۵ درصد رسید. به این ترتیب، پیش از آغاز جنگ رمضان، تورم سالانه نسبت به بهمن ۱۴۰۳ حدود ۱۵.۵ واحد درصد افزایش یافته بود. بررسی تورم نقطه به نقطه و ماهانه تصویر نگران‌کننده‌تری ارائه می‌کند. در مرداد ۱۴۰۳، همزمان با آغاز فعالیت دولت چهاردهم، تورم نقطه به نقطه ۳۱.۶ درصد و تورم ماهانه ۲ درصد بود. در بهمن ۱۴۰۴، یعنی پیش از آغاز جنگ، تورم نقطه به نقطه به ۶۸.۱ درصد و تورم ماهانه به ۹.۴ درصد رسید. به بیان دیگر، هزینه خریدهای خانوارها در بهمن ۱۴۰۴ به بهمن سال قبل از آن ۶۸.۱ درصد بیشتر شد. این ارقام نشان می‌دهد جهش تورمی در دولت چهاردهم تنها محصول جنگ نیست؛ زیرا بخش زیادی از آن پیش از آغاز جنگ شکل گرفته بود و حتی در ماه‌های نخست امسال نیز اثر سیاست (جراحی) ارزی دولت در دی‌ماه نیز همچنان ادامه دارد؛ زیرا ارز تجاری کشور که واردات با آن انجام می‌شود، روز گذشته (سوم آذرماه) از ۱۹۵ هزار تومان گذشت؛ در حالی که این نرخ در پایان بهمن سال گذشته حدود ۱۳۵ هزار و ۷۷۰ تومان بود که طی ۹ ماه ۴۴ درصد افزایش داشته است. این یعنی طی این مدت هزینه واردات حدود ۴۵ درصد فقط به دلیل افزایش نرخ ارز جهش داشته است. این در حالی است که با جراحی ارزی دولت طی دو ماه دی و بهمن سال گذشته نرخ ارز تجاری از حدود ۷۸ هزار تومان به ۱۳۵ هزار و ۷۷۰ تومان در پایان بهمن ۱۴۰۴ رسید؛ یعنی با تصمیم دولت این نرخ پیش از جنگ ۷۴ درصد و با ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان، نرخ ارز واردات کالاهای اساسی ۳۷۶ درصد افزایش داشت. این در حالی است که براساس گزارش گمرک بیش از ۸۰ درصد وارداتی کشور را مواد اولیه یا کالاهای واسطه‌ای (مورد نیاز تولید) تشکیل می‌دهد. با این حال این تصمیمات پاستورنشینان، اثر خودش را در سفره مردم نشان داد؛ هرچند جنگ هم اثرگذار است اما علت اصلی نرخ تورم تصمیمات ارزی دولت است.

### جهش ۱۲۵۰ درصدی ارزش پرونده‌های احتکار

پیامد دیگر افزایش مستمر قیمت‌ها، تغییر رفتار فعالان بازار و افزایش انگیزه نگهداری کالا به برای فروش در قیمت‌های بالاتر است. در اقتصادی که نرخ تورم و ارز و هزینه جایگزینی کالاها دائماً افزایش می‌یابد، برخی صاحبان کالا به جای عرضه محصول با قیمت جاری، ترجیح می‌دهند موجودی خود را نگه دارند تا در آینده با نرخ بالاتری بفروشند. براساس اعلام حسین فرهیدزاده، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و رئیس سازمان حمایت، تعداد بازرسی‌ها از انبارها و مراکز نگهداری کالا با کاهش حدود ۶ درصدی از ۶۹ هزار و ۶۳۱ مورد به ۶۵ هزار و ۳۳۰ مورد رسیده، اما تعداد کل پرونده‌های تخلف با رشد ۳۱ درصدی از یک هزار و ۵۲۱ به یک هزار و ۹۹۹ فقره افزایش یافته است. فرهیدزاده افزود: از مجموع پرونده‌های سال جاری، ۱۸۰۷ فقره به صورت جلسات موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اختصاص دارد و این رقم نسبت به ۱۳۲۶ فقره مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته و ارزش ریالی آن از ۱۵.۲ هزار میلیارد تومان به ۱۷۰.۵ هزار میلیارد تومان رسیده است. در حوزه تخلفات تعزیراتی و صنفی (احتکار، اخفا و امتناع از عرضه و عدم اعلام موجودی) نیز ۱۹۲ پرونده به ارزش ۲.۷ هزار میلیارد تومان تشکیل شده است؛ در حالی که در مدت مشابه سال قبل ۱۹۵ پرونده به ارزش ۲۰۰ میلیارد تومان ثبت شده بود.

این آمار نشان می‌دهد، اگرچه تعداد پرونده‌های احتکار، اخفا و تخلفات مشابه از ۱۹۵ به ۱۹۲ مورد کاهش یافته اما ارزش ریالی آن ۱۳.۵ برابر شده و رشد ۱۲۵۰ درصدی داشته است. همچنین ارزش کل پرونده‌های تخلف انبارها از ۱۵.۴ هزار میلیارد تومان به ۱۷۳۲ هزار میلیارد تومان رسیده که از رشد ۱۰۲۶ درصدی حکایت دارد. در شرایطی که تورم بالا انگیزه نگهداری یا احتکار کالا و امتناع از عرضه را بیشتر می‌کند، نظارت مستمر بر انبارها و مراکز عمده نگهداری کالا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. دولت نمی‌تواند از یک سو با افزایش نرخ ارز و هزینه تولید، انتظارات تورمی را تشدید کند و از سوی دیگر، نظارت مؤثر بر بازار را به اندازه کافی تقویت نکند. رها شدن بازار در شرایط تورمی، فرصت بیشتری برای سوءاستفاده برخی فعالان اقتصادی ایجاد می‌کند و در نهایت هزینه آن به مصرف‌کننده منتقل می‌شود.

### جنگ پوششی برای ناکارآمدی‌ها

با آغاز جنگ رمضان در نهم اسفند ۱۴۰۴، اقتصاد کشور با شوک تازه‌ای مواجه شد. آسیب به تأسیسات، اختلال در فعالیت برخی واحدهای تولیدی، دشواری مبادلات تجاری و افزایش هزینه‌های تأمین و توزیع کالا، به فشارهای قبلی اضافه شد؛ بنابراین نمی‌توان اثر جنگ را در افزایش قیمت‌ها نادیده گرفت، اما مقایسه آمارهای قبل و بعد از جنگ نشان می‌دهد این اتفاق به اقتصادی با تورم بالا و روند صعودی تحمیل شد. در اسفند ۱۴۰۴ تورم ماهانه ۵.۶ درصد، تورم نقطه به نقطه ۷۱.۸ درصد و تورم سالانه ۵۰.۶ درصد ثبت شد. در مهر امسال نیز تورم ماهانه به ۴.۴ درصد، نقطه به نقطه به ۸۸.۷ درصد و سالانه به ۷۶.۸ درصد رسیده است. بهه این ترتیب، تورم سالانه از ۳۴.۸ درصد در مرداد ۱۴۰۳ به ۷۶.۸ درصد در مهرماه رسید و تورم نقطه به نقطه نیز از ۳۱.۶ درصد به ۸۸.۷ درصد افزایش یافت. این ارقام از افزایش ۴۲ واحد درصدی تورم سالانه و ۵۷.۱ واحد درصدی تورم نقطه به نقطه حکایت دارد.

دولت می‌توانست در کنار مدیریت منابع ارزی، اصلاحات را با زمان‌بندی مناسب‌تر و به صورت تدریجی اجرا کند، نظارت بر بازار را تقویت کند، بازگشت ارز صادراتی را سرعت ببخشد و مانع انتقال یکباره هزینه‌های جدید به مصرف‌کننده شود. همچنین در شرایطی که تورم بالا انگیزه احتکار و امتناع از عرضه را تقویت می‌کند، نظارت بر انبارها و شبکه توزیع باید جدی‌تر دنبال می‌شد. نمی‌توان از یک سو با گران‌سازی نرخ ارز، قیمت نهاده‌های تولید را بالا برد و نظارت بر قیمت‌گذاری و توزیع را به اندازه کافی تقویت نکرد و از سوی دیگر تمام آثار گرانی را به جنگ نسبت داد. جنگ هزینه‌هایی بر اقتصاد کشور تحمیل کرده است، اما مسئولیت تصمیمات اقتصادی پیش از جنگ و نحوه مدیریت بازار پس از آن بر عهده دولت است. کوچک شدن سفره مردم را نمی‌توان فقط به شرایط جنگی نسبت داد در حالی که بخشی از این فشار نتیجه تصمیماتی است که از ابتدای دولت چهاردهم تاکنون گرفته شد و آثار آن همچنان در بازار و زندگی خانوارها ادامه دارد.

جهش قیمت و تورم سه رقمی مصالح ساختمانی نشان می‌دهد؛

# جنگ و دولت علیه مسکن

بازار مسکن تهران در حالی با رکود سنگین معاملاتی و خروج بخش بزرگی از متقاضیان مصرفی مواجه است که قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در آبان‌ماه به ۳۱۰ میلیون تومان رسیده و تورم نقطه‌به‌نقطه نهاده‌های ساختمانی نیز از ۱۳۲ درصد عبور کرده است؛ وضعیتی که در کنار عقب‌ماندگی طرح‌های حمایتی، ضعف سیاست‌گذاری در افزایش عرضه و محدودیت‌های جدید ساخت‌وساز در تهران و البرز، چشم‌انداز خانه‌دار شدن خانوارها را بیش از گذشته دشوار کرده است.



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

براساس پایش داده‌های بازار مسکن، میانگین قیمت هر مترمربع خانه در تهران در آبان‌ماه سال جاری به ۳۱۰ میلیون تومان رسید که بیشترین رشد سالانه قیمت مسکن را نشان می‌دهد. این در حالی است که قیمت مسکن در آبان‌ماه سال گذشته یک‌سوم قیمت فعلی، یعنی حدود ۱۰۰ میلیون تومان، بوده است و تورم نقطه‌به‌نقطه مسکن در تهران در آبان‌ماه سال جاری به ۱۹۴.۶ درصد رسیده است. این افزایش قیمت عمدتاً در مناطق یک تا سه تهران رخ داده و هم‌زمان با تشدید رکود معاملاتی و نبود تقاضا بوده است؛ به‌طوری که براساس اعلام وزارت راه و شهرسازی، تعداد معاملات ثبت‌شده مسکن تهران از میانگین ماهانه ۸ هزار فقره در سال‌های گذشته به کمتر از ۴۰۰ معامله در برخی ماه‌ها رسیده است. در کنار این آمار مربوط به گرانی و تورم سرسام‌آور بازار مسکن، تازه‌ترین گزارش مرکز آمار درباره تورم نهاده‌های ساختمانی نشان می‌دهد که تورم نقطه‌به‌نقطه نهاده‌های ساختمانی در تابستان ۱۴۰۵ به ۱۳۲.۶ درصد رسیده است؛ وضعیتی که در کنار سیاست‌های محدودکننده عرضه و کم‌توجهی به تنظیم‌گری فعال بازار مسکن، چشم‌انداز دسترسی خانوارها به مسکن را دشوارتر کرده است.

بازار مسکن تهران در سال‌های اخیر به یکی از روشن‌ترین نمونه‌های فاصله میان قیمت دارایی‌ها و توان اقتصادی خانوارها تبدیل شده است. افزایش مستمر قیمت واحدهای مسکونی در شرایطی ادامه دارد که بخش قابل توجهی از متقاضیان مصرفی، به‌ویژه خانوارهای فاقد مسکن و زوج‌های جوان، عملاً از بازار خرید خارج شده‌اند. یکی از دلایل تداوم این وضعیت، تفاوت میان تقاضای مصرفی و قیمت‌گذاری در بازار مسکن است. کاهش معاملات در این بازار، به دلیل نگاه سرمایه‌ای حاکم بر مسکن، لزوماً به این معنا نیست که فروشندگان حاضر شوند واحدهای خود را با قیمت پایین‌تری عرضه کنند. از سوی دیگر، انتظارات تورمی، قیمت زمین و هزینه جایگزینی واحدهای مسکونی همچنان بر قیمت‌های پیشنهادی اثر می‌گذارند. به این ترتیب، ممکن است بازار با کاهش تعداد معاملات مواجه باشد، اما سطح قیمت‌ها همچنان بالا باقی بماند.

## جهش هزینه ساخت؛ عامل افزایش قیمت مسکن

در کنار شرایط تقاضا، آمارهای جدید مرکز آمار ایران از افزایش قابل توجه هزینه تولید مسکن حکایت دارد. براساس گزارش شاخص قیمت نهاده‌های ساختمان‌های مسکونی شهر تهران، شاخص کل در تابستان ۱۴۰۵ به ۴۰۲.۴ رسیده است. این شاخص نسبت به فصل قبل ۱۹.۶ درصد و نسبت به فصل مشابه سال قبل ۱۳۲.۶ درصد رشد داشته است. نکته قابل توجه در این آمار، افزایش هم‌زمان تورم نقطه‌ای و سالانه نهاده‌های ساختمانی است. تورم نقطه‌به‌نقطه این نهاده‌ها در بهار ۱۴۰۵ معادل ۱۰۶.۸ درصد بود که در تابستان با افزایش ۲۵.۸ واحد درصدی به ۱۳۲.۶ درصد رسید. در میان گروه‌های اجرایی نیز وضعیت برخی نهاده‌ها نگران‌کننده‌تر است. تأسیسات برقی با تورم نقطه‌ای ۲۲۲.۱ درصدی، بیشترین افزایش قیمت را تجربه کرده است. گروه چوب نیز با تورم سالانه ۱۹۰.۷ درصدی در صدر افزایش قیمت‌های سالانه قرار دارد. همچنین گروه ایزوگام، قیرگونی و آسفالت با تورم فصلی ۴۸.۳ درصدی، بیشترین افزایش قیمت را در مقایسه با فصل قبل ثبت کرده است. این ارقام نشان می‌دهد افزایش هزینه ساخت‌وساز دیگر محدود به چند قلم مصالح ساختمانی نیست و طیف گسترده‌ای از نهاده‌های موردنیاز برای احداث واحدهای مسکونی را دربر گرفته است. این افزایش قیمت نهاده‌ها بدون تردید فشار قابل توجهی بر هزینه تمام‌شده پروژه‌های ساختمانی وارد می‌کند و از این طریق، تورم بخش مسکن را تشدید می‌کند.

## دولت برنامه‌ای برای مسکن ندارد

در چنین شرایطی، عملکرد سیاست‌گذار از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. از ابتدای فعالیت دولت چهاردهم در سال ۱۴۰۳، بازار مسکن با مجموعه‌ای از مشکلات انباشته در حوزه تولید، تأمین مالی و دسترسی به زمین مواجه بوده است؛ با این حال، آنچه در عملکرد سیاست‌گذاری این دوره کمتر به چشم می‌آید، یک برنامه منسجم و مؤثر برای افزایش عرضه مسکن متناسب با نیاز خانوارها و کنترل عوامل اثرگذار بر قیمت تمام‌شده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، وضعیت اجرای طرح نهضت ملی مسکن و نحوه تأمین مالی پروژه‌هاست. افزایش آورده متقاضیان در کنار مشکلات تأمین تسهیلات بانکی، تأخیر در اجرای برخی پروژه‌ها و ابهام در زمان تحویل واحدها موجب شده است بخشی از خانوارهایی که در زمان شروع طرح در دولت شهید رئیسی با امید خانه‌دار شدن وارد این طرح شده‌اند، همچنان در دوره دولت جدید با نگرانی درباره سرنوشت سرمایه‌گذاری خود مواجه باشند. بررسی عملکرد وزارت راه و شهرسازی نیز نشان می‌دهد که حتی در ارائه آمار پیشرفت پروژه‌ها و تفکیک واحدهای تحویل‌شده از پروژه‌های به‌جامانده از دوره‌های قبل، ابهاماتی وجود داشته است؛ موضوعی که ضرورت شفافیت بیشتر درباره عملکرد دولت در حوزه مسکن را برجسته می‌کند. از سوی دیگر، کنترل بازار مسکن صرفاً با اعلام برنامه‌های حمایتی یا ارائه تسهیلات محدود امکان‌پذیر نیست. دولت باید در حوزه تأمین زمین، تأمین مالی ساخت‌وساز، تسهیل صدور مجوزها و کنترل هزینه‌های تولید، نقش فعال‌تری ایفا کند. در شرایطی که هزینه نهاده‌های ساختمانی در یک سال بیش از دو برابر شده است، نبود برنامه مؤثر برای حمایت از تولید و افزایش عرضه به تشدید رکود ساخت‌وساز و انتقال فشار هزینه‌ای به خریداران منجر می‌شود. مسئله مهم‌تر آن است که بازار مسکن، برخلاف برخی بازارهای دارایی، مستقیماً با یکی از نیازهای اساسی خانوارها ارتباط دارد. بنابراین، نمی‌توان نسبت به افزایش مستمر قیمت‌ها و کاهش توان خرید مردم بی‌تفاوت بود و تنظیم بازار را صرفاً به سازوکار عرضه و تقاضا واگذار کرد. سیاست‌گذار باید میان حمایت از تولیدکننده و حفظ قدرت خرید مصرف‌کننده تعادل برقرار کند؛ موضوعی که به نظر می‌رسد در اولویت‌های اجرایی دولت قرار نگرفته است.

## محدودیت ساخت‌وساز در تهران و البرز

در کنار مشکلات موجود، مصوبه دولت درباره ساماندهی و تمرکززدایی از استان‌های تهران و البرز نیز نگرانی‌هایی را درباره آینده عرضه مسکن ایجاد کرده است. براساس برنامه ابلاغ‌شده در ۲۶ مهرماه ۱۴۰۵، ایجاد شهرک و شهر جدید در این دو استان برای سه سال ممنوع شده و بارگذاری جمعیتی و فعالیتی فراتر از ظرفیت طرح‌های جامع و تفصیلی نیز با محدودیت مواجه شده است. در همین زمینه، سیدمنان رئیسی، عضو کمیسیون عمران مجلس، با اشاره به برآورد بیش از ۱۵۰ هزار واحدی تقاضای سالانه مسکن در تهران و البرز اعلام کرده است که ظرفیت باقی‌مانده طرح‌های تفصیلی کلان‌شهرهای این دو استان حدود ۴۶ تا ۵۰ هزار واحد است؛ رقمی که به گفته وی، تنها حدود یک‌سوم نیاز سالانه را پوشش می‌دهد. او محدود شدن عرضه زمین را عاملی برای تشدید کمبود عرضه و افزایش قیمت مسکن دانسته است.

فارغ از اختلاف نظرها درباره نحوه اجرای این مصوبه، یک مسئله اساسی وجود دارد؛ اینکه محدود کردن ساخت‌وساز در تهران و کرج بدون فراهم کردن گزینه‌های جایگزین برای سکونت خانوارها ممکن است به جای حل مسئله تمرکز جمعیت، فشار تقاضا را به بازار محدودتر مسکن در این مناطق منتقل کند. در واقع، وقتی تقاضای مسکن در پایتخت و شهرهای اطراف آن همچنان وجود دارد، محدود کردن ظرفیت عرضه بدون برنامه جایگزین می‌تواند به افزایش قیمت زمین و واحدهای موجود منجر شود. این مسئله در کنار شتاب بالای افزایش هزینه ساخت، نگرانی‌ها را تشدید می‌کند. مسئله امروز بازار مسکن فقط گران شدن خانه نیست؛ مسئله این است که در شرایط رکود معاملات، تورم سنگین نهاده‌های ساختمانی و محدودیت‌های عرضه، چه برنامه‌ای برای جلوگیری از عمیق‌تر شدن بحران وجود دارد؟ دولت اگر همچنان به سیاست‌گذاری فعال در این بازار توجه کافی نداشته باشد، فاصله میان قیمت مسکن و توان اقتصادی خانوارها بیش از گذشته افزایش خواهد یافت.

## زمین‌های کشور برای تامین مسکن خانوارها به کار گرفته شود

**علی‌اصغر باقرزاده نماینده مجلس با اشاره به پیام رهبر معظم انقلاب به چهارمین رویداد جایزه ملی جوانی جمعیت، می‌گوید: این پیام را نباید یک پیام عادی قلمداد کنیم؛ چرا که مسئله جمعیت از موضوعات بسیار مهم و راهبردی کشور است و بی‌توجهی به آن می‌تواند در سال‌های آینده پیامدهای جدی برای آینده ایران به دنبال داشته باشد. دولت و مجلس باید با درک اهمیت و فوریت مسئله جوانی جمعیت، از مرحله تاکید و بیان ضرورت‌ها عبور کنند و برای اجرای عملی سیاست‌های جمعیتی گام‌های جدی بردارند و اجازه ندهد این سیاست مهم در حد شعار و توصیه باقی بماند. قانون جوانی جمعیت در بخش‌های مختلفی از جمله تامین زمین، تسهیلات بانکی و مشوق‌های مرتبط با خودرو برای حمایت از خانواده‌ها ظرفیت‌هایی در نظر گرفته است. متاسفانه برخی از این مشوق‌ها به‌درستی اجرا نمی‌شوند. کشور از ظرفیت‌های قابل توجهی در حوزه زمین برخوردار است و باید از این امکان برای اجرای تعهدات قانون جوانی جمعیت و کمک به تامین مسکن خانواده‌های مشمول استفاده شود.**

## نبض اقتصاد

### قیمت خرید گندم ۷۳ هزار تومان اعلام شد

رئیس بنیاد ملی گندمکاران گفت: نرخ خرید تضمینی گندم برای سال زراعی ۱۴۰۵-۱۴۰۶ در جلسه دیروز شورای قیمت‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی، کیلویی ۷۳ هزار و ۷۶۰ تومان تعیین شد. عطاالله هاشمی افزود: جلسه روز گذشته بدون حضور وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان برنامه و بودجه برگزار شد و نمایندگان این دو دستگاه در جلسه حضور داشتند. براساس گزارش فارس و طبق قانون، وزیر جهاد کشاورزی یک هفته فرصت دارد تا نرخ خرید تضمینی گندم را ابلاغ کند. بنابراین اجرایی شدن نرخ ۷۳ هزار و ۷۶۰ تومانی منوط به ابلاغ رسمی آن از سوی وزیر جهاد کشاورزی است. در پایان جلسه، عطاالله هاشمی، رئیس بنیاد ملی گندمکاران و دو نفر از کشاورزان خبره عضو شورای قیمت‌گذاری، در اعتراض به نرخ تعیین‌شده از امضای صورت‌جلسه خودداری کرده‌اند اما ۶ نفر از حاضرین جلسه صورتجلسه را امضا کرده‌اند.

### سود سود بانکی فعلاً تغییر نمی‌کند

جهش کم‌سابقه نرخ سود در بازار بین بانکی طی هفته‌های اخیر، گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی را تقویت کرده است. نرخ سود بازار بین بانکی که برای حدود ۱۰ هفته متوالی در سطح ۲۴ درصد تثبیت شده بود، در هفته منتهی به ۱۴ آبان‌ماه به یکباره با جهش ۱۰ واحد درصدی به ۳۳.۹۲ درصد رسید. سقف دالان نرخ سود از ۲۴ به ۳۴ درصد افزایش یافت و کف این دالان نیز از ۱۷ به ۲۶ درصد رسید. حداقل نرخ توافق بازخرید یا ریپو نیز با افزایش ۹ واحد درصدی از ۲۳ به ۳۲ درصد رسید تا عملاً شرایط تأمین ذخایر برای بانک‌ها وارد مرحله تازه‌ای شود.

وحید ماجد، معاون سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی در تازه‌ترین توضیحات خود درباره تغییرات اخیر بازار پول، بر ضرورت اصلاح مناسبات مالی بانک مرکزی با شبکه بانکی و فراهم کردن شرایط عادلانه‌تر برای دسترسی بانک‌ها به ذخایر تأکید کرد و گفت: تغییر نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات فعلا در دستور کار نیست. او افزود: مصوبات قبلی شورای پول و اعتبار درباره نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات همچنان برقرار است و در صورت تصمیم جدید اطلاع‌رسانی خواهد شد. در حال حاضر هرچند بانک مرکزی به بانک‌ها نرخ سود ۲۳ درصدی را ابلاغ کرده اما نرخ سود در عمل بیش از ۱۰ درصد بالاتر و در محدوده ۳۳ تا ۳۵ درصد قرار دارد. بانک مرکزی معتقد است نرخ سود بازار بین بانکی را شفاف کرده است و به نظر می‌رسد شفافیت به نرخ سود سپرده و تسهیلات هم برسد.

### ارزش اسقاط هر خودروی فرسوده به ۳۰۰ میلیون تومان رسید

قیمت هر گواهی اسقاط خودرو از ۶۰ میلیون به ۱۰۰ میلیون تومان افزایش یافته و با توجه به صدور سه گواهی برای هر خودروی فرسوده، ارزش گواهی‌های آن به ۳۰۰ میلیون تومان رسیده است؛ تغییری که از دوم آذر در سامانه ستاد نوسازی ناوگان و اسقاط خودروهای فرسوده اجرایی شده است. پیش از این، هر گواهی اسقاط ۶۰ میلیون تومان قیمت داشت و ارزش سه گواهی مربوط به هر خودرو به ۱۸۰ میلیون تومان می‌رسید. همچنین در اردیبهشت امسال، نرخ هر گواهی از ۳۵ میلیون به ۶۰ میلیون تومان افزایش یافته بود. بر اساس اطلاعات منتشرشده، خودروسازان و تولیدکنندگان برای خرید گواهی اسقاط باید به سامانه ستاد نوسازی مراجعه کنند. نرخ‌گذاری جدید در شرایطی اعمال شده که ارزش گواهی اسقاط پیش‌تر با توجه به قیمت خودروهای فرسوده، هزینه فرایند اسقاط و ارزش ضایعات بازنگری می‌شد. اثر نهایی این افزایش بر هزینه‌های خودروسازان و روند نوسازی ناوگان، به میزان تقاضا برای گواهی و نحوه اجرای تعهدات اسقاط وابسته خواهد بود.

یادداشت

# از مغالطه آماری تا اتهام‌زنی سیاسی

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

انتشار گزارش تازه سازمان ملل درباره قتل ده‌ها هزار زن و دختر به دست نزدیکانشان در سراسر جهان، بار دیگر موضوع خشونت خانگی را در کانون توجه رسانه‌ها قرار داده است. با این حال، رادیوفردا در بازتاب این گزارش جهانی، با افزودن آماری مستقل درباره قتل زنان در ایران، بحث را به وضعیت جمهوری اسلامی کشانده است.

براساس گزارش مشترک نهاد زنان سازمان ملل و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم این سازمان، در سال ۲۰۲۵ حدود ۴۷ هزار زن و دختر در جهان به دست همسر، شریک زندگی یا یکی از اعضای خانواده خود به قتل رسیده‌اند. این رقم معادل ۶۰ درصد مجموع ۷۸ هزار مورد قتل عمد زنان و دختران در جهان است.

اما نکته قابل تأمل در گزارش رادیوفردا، نحوه پیوند دادن این آمار جهانی به وضعیت ایران است. این رسانه پس از تشریح گزارش سازمان ملل، مدعی شده براساس بررسی اخبار منتشرشده در رسانه‌های فارسی‌زبان، از ابتدای سال ۱۴۰۵ تا ۲۱ مهرماه دست‌کم ۸۴ زن در ایران به قتل رسیده‌اند.

نخستین اشکال به این روایت، تفاوت در ماهیت آمارهاست. گزارش سازمان ملل مشخصاً درباره قتل زنان به دست شریک زندگی یا اعضای خانواده است. اما آمار ۸۴ موردی رادیوفردا مجموعه‌ای از قتل‌های گزارش‌شده زنان را دربرمی‌گیرد که لزوماً تمامی آنها در چارچوب تعریف سازمان ملل قرار ندارند.

نکته دیگر، ضرورت محاسبه نرخ قتل نسبت به جمعیت است. ایران کشوری با جمعیتی بیش از ۹۰ میلیون نفر است و برای سنجش جایگاه آن باید آمار کامل و قابل مقایسه قتل‌های خانوادگی زنان را در یک سال مشخص، نسبت به جمعیت زنان محاسبه کرد.

بنابراین نه می‌توان با استناد به رقم ۸۴ مورد، ایران را در جایگاه خاصی از رتبه‌بندی جهانی قرار داد و نه می‌توان صرفاً با مقایسه آن با ۴۷ هزار قربانی در جهان، نتیجه گرفت که وضعیت ایران بدتر از دیگر کشورهاست.

وجه دیگر ماجرا، نحوه انتقال بحث از مسئله‌ای جهانی به ارزیابی عملکرد جمهوری اسلامی است. رادیوفردا با افزودن آمار ایران و برجسته‌سازی ابعاد داخلی، این پرسش را ایجاد می‌کند که آیا هدف، بررسی دقیق یک آسیب اجتماعی است یا استفاده از آن در چارچوب منازعات سیاسی؟

البته هیچ‌یک از این ایرادات آماری به معنای کوچک شمردن قتل حتی یک زن نیست. خشونت خانگی، قتل‌های موسوم به ناموسی و ضعف در حمایت از زنان در معرض خطر، موضوعاتی جدی‌اند که رسیدگی قضایی، پیشگیری اجتماعی و اصلاح سازوکارهای حمایتی را ضروری می‌کنند. اما نقد این آسیب‌ها نیز باید بر مبنای آمار همسان و روش‌شناسی معتبر صورت گیرد.

نمی‌توان از یک سو به گزارش سازمان ملل درباره قتل‌های خانوادگی استناد کرد و از سوی دیگر، آماری با تعریف و بازه زمانی متفاوت را مبنای داوری درباره عملکرد یک کشور قرار داد.

در نهایت، آنچه از رسانه‌ها انتظار می‌رود، تفکیک روشن میان واقعیت آماری، تحلیل اجتماعی و موضع‌گیری سیاسی است. زیرا با جابه‌جایی تعریف شاخص‌ها، نه می‌توان به حقیقت نزدیک شد و نه گامی مؤثر برای حمایت از زنان برداشت.

بین الملل

# برجای ماندن ده‌ها هزار نظامی مجروح با اختلالات روانی در ارتش اسرائیل



اداره توانبخشی وزارت جنگ رژیم صهیونیستی صبح امروز اعلام کرد تعداد نظامیان زخمی شده که تحت پوشش این اداره قرار دارند به ۹۲ هزار و ۳۰۰ نفر رسیده است که ۳۱ هزار و ۵۰۰ نفر از آنها در جنگ اخیر مجروح شده اند.

بر اساس آمار منتشرشده از سوی این اداره، ۴۳ هزار و ۸۰۰ نفر، معادل ۴۷ درصد مجموع زخمی ها از آسیب های روانی و اختلالات پس از سانحه رنج می برند که ۱۹ هزار و ۶۰۰ نفر از آنها در جنگ اخیر آسیب دیده اند.

همچنین حدود هزار و ۱۰۰ نفر از آنها دچار قطع عضو شده اند، ۱۲۳ نفر بینایی خود را از دست داده اند و ۶۰۲ نفر در بالاترین سطح معلولیت قرار دارند.

۳۹۰۰ نفر نیز از آسیب های مغزی با درجات مختلف رنج می برند که ۲۴۹ نفر از آنها دچار آسیب‌های شدید شده اند.

آمارها همچنین نشان می دهد ۵۸ درصد مجروحان جنگ اخیر، معادل ۱۵ هزار و ۷۰۰ نفر، از نیروهای ذخیره هستند.



اختلاف در رأس رژیم صهیونیستی بر سر حمله به ایران

# نتانیاهو یا آیزنکوت؛ دشمنی با ایران در دو لباس متفاوت

**اختلافات سیاسی و امنیتی در رژیم صهیونیستی بر سر حمله مجدد به ایران، به مرحله تازه‌ای رسیده است. نتانیاهو بر ضرورت اقدام نظامی فوری اصرار دارد، اما گادی آیزنکوت و شماری از فرماندهان ارتش، تهدیدی را که حمله در شرایط کنونی را توجیه کند، فوری نمی‌دانند. با این حال، پشت این اختلافات پرسروصدا، واقعیتی مهم نهفته است. هیچ‌یک از طرف‌های اصلی منازعه از سیاست فشار بر جمهوری اسلامی ایران دست نکشیده‌اند. اختلاف اصلی بر سر زمان، ابزار و هزینه تقابل است. اختلافی که اکنون با رقابت بر سر قدرت و آینده سیاسی نتانیاهو گره خورده است.**

احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

تحولات روزهای اخیر در سرزمین های اشغالی نشان می دهد که پرونده ایران به یکی از مهم‌ترین محورهای درگیری میان دولت موقت نتانیاهو و مخالفان وی تبدیل شده است. شبکه عبری کان گزارش داده که گادی آیزنکوت، رهبر حزب «یشار» و مأمور تشکیل دولت جدید، پس از دریافت گزارش های امنیتی تأکید کرده است که در شرایط کنونی هیچ تهدید مستقیم و فوری از جانب ایران وجود ندارد که حمله نظامی پیش از تشکیل دولت جدید را ضروری کند.

آیزنکوت با این حال مدعی شده مهم‌ترین تهدید برای اسرائیل، حدود ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ایران است که به گفته او، همچنان نابود یا از کشور خارج نشده است.

در مقابل، نتانیاهو، مخالفان خود را به کوچک‌نمایی تهدید ایران با انگیزه‌های سیاسی متهم کرد. وی در نشست فراکسیون لیکود، با اشاره به تحولات برنامه هسته‌ای ایران، خواستار جدی گرفتن تهدیدات و تشکیل دولت وحدت ملی شد.

اختلافات تنها به دو سیاستمدار محدود نمانده است. گزارش روزنامه یدیعوت آحارونوت نشان می دهد ایال زمیر، رئیس ستاد ارتش رژیم صهیونیستی نیز ضرورت حمله فوری را زیر سؤال برده است.

در مقابل، رومان گافمن، رئیس موساد، خواستار تسریع در اقدام نظامی علیه ایران شده است. گزارش ها حتی از اختلاف میان رئیس موساد و برخی کارشناسان ارشد این سازمان حکایت دارند. اما نکته اساسی در این کشمکش آن است که مخالفت آیزنکوت یا فرماندهان ارتش با حمله فوری، به معنای تغییر رویکرد آنان در قبال جمهوری اسلامی ایران نیست.

درحالی که نتانیاهو برای تشدید فشار نظامی تلاش می کند، برخی محافل امنیتی اسرائیل معتقدند تداوم محاصره دریایی و فشار اقتصادی علیه ایران، در شرایط فعلی می تواند مؤثرتر از آغاز جنگی تازه باشد.

به بیان دیگر، یک جریان خواهان استفاده فوری از ابزار نظامی است و جریانی دیگر بر فرسایش اقتصادی، استمرار محدودیت ها و انتخاب زمان مناسب‌تر برای اقدام نظامی تأکید دارد.

از همین منظر، نباید اختلافات داخلی رژیم صهیونیستی را نشانه تغییر بنیادین سیاست آن در قبال ایران دانست. برای تهران، جایگزینی نتانیاهو با آیزنکوت لزوماً به معنای پایان تهدیدات نظامی، تحریم‌ها یا اقدامات امنیتی اسرائیل نخواهد بود. سوابق و مواضع دو طرف نشان می دهد آنان همچنان برنامه هسته‌ای و توانمندی‌های راهبردی ایران را از محورهای اصلی سیاست امنیتی خود می دانند.

در این میان، مسئله مهم دیگری نیز وجود دارد. اتهام استفاده نتانیاهو از جنگ برای حفظ قدرت.

آویگدور لیبرمن، رئیس کمیسیون امور خارجی و امنیت کنست، هشدار داده است که حمله مستقل اسرائیل به ایران، بدون مشارکت آمریکا و با انگیزه‌های شخصی و سیاسی، می تواند مصداق صدور دستوری آشکارا غیرقانونی باشد. وی همچنین این احتمال را مطرح کرده است که نتانیاهو جنگ را آخرین راه خروج از بحران سیاسی خود بداند.

این موضع گیری در شرایطی مطرح می شود که مأموریت تشکیل دولت جدید به آیزنکوت سپرده شده و تداوم حضور نتانیاهو در قدرت با ابهام روبه‌روست. مخالفان نخست‌وزیر نگران‌اند که آغاز جنگی تازه، روند تشکیل دولت جدید را مختل و زمینه تشکیل کابینه وحدت ملی با محوریت نتانیاهو را فراهم کند.

با این حال، لیبرمن نیز اصل تهدیدانگاری ایران را رد نکرده، بلکه مشروعیت و ضرورت حمله در مقطع فعلی را زیر سؤال برده است.

آنچه امروز در تل‌آویو جریان دارد، بیش از آنکه نشانه ظهور جریانی خواهان عادی‌سازی روابط با ایران باشد، بیانگر اختلاف بر سر محاسبات امنیتی، زمان اقدام نظامی و رقابت‌های سیاسی است. نتانیاهو، آیزنکوت و لیبرمن درباره میزان فوریت تهدید ایران، ضرورت همراهی آمریکا و پیامدهای داخلی جنگ اختلاف دارند اما این اختلافات به‌خودی‌خود نشان‌دهنده کنار گذاشتن سیاست فشار بر تهران نیست.

در نتیجه، تغییر ترکیب کابینه اسرائیل، هرچند ممکن است بر زمان‌بندی و شیوه اقدامات آن اثر بگذارد، تضمینی برای پایان رویارویی نخواهد بود.

جنگ فوری یا فشار فرسایشی، اختلاف بر سر انتخاب ابزار است و همین واقعیت نشان می دهد که جابه‌جایی مهره‌ها در رأس قدرت اسرائیل، لزوماً به معنای تغییر قواعد تقابل با ایران نیست.

## اختلاف نظر در نوع جنایت

**نباید اختلافات داخلی رژیم صهیونیستی را نشانه تغییر بنیادین سیاست آن در قبال ایران دانست. برای تهران، جایگزینی نتانیاهو با آیزنکوت لزوماً به معنای پایان تهدیدات نظامی، تحریم‌ها یا اقدامات امنیتی اسرائیل نخواهد بود. سوابق و مواضع دو طرف نشان می‌دهد آنان همچنان برنامه هسته‌ای و توانمندی‌های راهبردی ایران را از محورهای اصلی سیاست امنیتی خود می‌دانند.**

وال‌استریت ژورنال از تلاش‌های بی‌نتیجه ترامپ برای تماس با کیم جونگ اون گزارش داد

# ترامپ پشت در پیونگ‌یانگ

**گزارش تازه وال‌استریت ژورنال درباره تلاش‌های بی‌نتیجه دونالد ترامپ برای برقراری ارتباط با کیم جونگ اون، حاوی یک درس راهبردی مهم برای سیاست خارجی ایران است؛ درسی که ظاهراً طی بیش از دو دهه مذاکره با آمریکا و حضور تفکر برجامی در دستگاه دیپلماسی کشور، عمداً یا سهواً نادیده گرفته شد: آمریکا با خواهش و امتیازدهی متوقف نمی‌شود؛ بلکه زمانی ناچار به محاسبه و تغییر رفتار می‌شود که با واقعیتی مواجه شود که امکان نادیده گرفتن آن را ندارد.**



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

روزنامه آمریکایی وال‌استریت ژورنال در گزارشی تازه از تلاش‌های بی‌نتیجه دولت دونالد ترامپ برای برقراری ارتباط با کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، پرده برداشته است؛ گزارشی که جزئیات آن به‌خوبی نشان می‌دهد پیونگ‌یانگ چگونه بدون امتیازدهی، بدون ابراز اشتیاق برای مذاکره و بدون تلاش برای جلب رضایت کاخ سفید، طرف آمریکایی را در موقعیت درخواست‌کننده قرار داده است. براساس این گزارش، «سال گذشته ترامپ تلاش کرد از طریق خطوط تلفنی و کانال‌های ارتباطی رسمی با کیم جونگ اون تماس بگیرد، اما هیچ پاسخی دریافت نکرد. پس از آن، ترامپ نامه‌ای برای رهبر کره شمالی نوشت. مقام‌های کاخ سفید گروهی را مقابل دفتر نمایندگی دائم کره شمالی در سازمان ملل در منهتن مستقر کردند تا نامه را به دست مقام‌های پیونگ‌یانگ برسانند. هنگامی که یکی از دیپلمات‌های کره شمالی از مقابل آنها عبور کرد، اعضای این گروه به‌سرعت به سمت او رفتند و نامه را تحویل دادند؛ اما آن دیپلمات بعدها در جریان نشستی در سازمان ملل، نامه را بدون آنکه باز کند، مقابل نماینده آمریکا انداخت!» وال‌استریت ژورنال در ادامه می‌افزاید: «این اتفاق در شرایطی رخ داد که از آخرین دیدار ترامپ و کیم جون اون در سال ۲۰۱۹، زراد خانه هسته‌ای کره شمالی از حدود ۲۰ تا ۳۰ کلاهک به نزدیک ۶۰ کلاهک افزایش یافته بود.» به عبارت دیگر، کشوری که ترامپ برای برقراری ارتباط با رهبر آن تلاش می‌کرد، طی همین سال‌ها توان بازدارندگی خود را توسعه داده و موقعیت متفاوتی در معادلات امنیتی پیدا کرده بود. مهم‌تر آنکه ترامپ کره شمالی را تا حدودی یک قدرت هسته‌ای توصیف کرده است. ترامپ پیش از این نیز به زراد خانه هسته‌ای کره شمالی اشاره کرده و در تابستان سال جاری از حدود ۵۷ سلاح هسته‌ای بسیار قدرتمند سخن گفته بود. او در مهرماه نیز در یک سخنرانی انتخاباتی رقم ۱۱۲ موشک هسته‌ای را مطرح کرد.

ترامپ حتی در سفر آسیایی نوامبر ۲۰۲۶ تلاش کرد چهارمین دیدار خود با کیم را ترتیب دهد، اما این تلاش نیز به نتیجه نرسید. کره شمالی به درخواست واشنگتن پاسخ نداد یا شروطی مطرح کرد که پذیرش وضعیت هسته‌ای این کشور از جمله آنها بود. مقام‌های آمریکایی حتی گزینه‌هایی مانند اعلام رسمی پایان جنگ کره، صدور بیانیه‌ای که نه وضعیت هسته‌ای پیونگ‌یانگ را به رسمیت بشناسد و نه خواستار برچیدن برنامه هسته‌ای آن شود و همچنین ایجاد دفتر رابط را بررسی کردند. ترامپ بعداً گفت: «رابطه خوبی با کیم دارد، اما دیدار این بار عملی نشد و روزی انجام خواهد شد.»

### ۲۳ سال مذاکره در برابر ۲۳ سال قدرت سازی!

اهمیت این روایت زمانی بیشتر می‌شود که مسیر کره شمالی در موضوع هسته‌ای با تجربه ایران مقایسه شود. کره شمالی گرچه به واسطه ضعف های ذاتی به واسطه نوع حکمرانی و سیاست های کمونیستی، در مسئله توسعه عملکرد خوبی نداشته ولی وضعیت اقتصادی بدکره به واسطه اتمی شدن آن نبود و حتی پیش از اتمی شدن نیز از اقتصادی قوی برخوردار نبود. کره شمالی نیز در ابتدای دهه ۸۰ شمسی، همانند ایران زیر سایه فشارهای آمریکا و بازرسی های هسته‌ای قرار داشت؛ اما در ۲۱ فروردین ۱۳۸۲ خروج خود از پیمان ان پی تی را عملیاتی کرد و در مهرسال ۱۳۸۵ نخستین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد. این کشور با عبور از چارچوب فشارهای بین‌المللی، مسیر توسعه توان بازدارندگی خود را دنبال کرد، معمای امنیت و بقا را برای خود حل کرد و امروز حتی رئیس جمهور آمریکا نیز در ادبیات خود ناچار به پذیرش واقعیت هسته‌ای پیونگ یانگ شده است.

در سوی دیگر، ایران طی بیش از ۲۳ سال درگیر مذاکرات هسته‌ای، توافق ها، عقب نشینی ها، بازرسی ها و محدودیت های متعدد بود. تفکر برجامی در سیاست خارجی کشور، مذاکره و توافق با آمریکا را به یکی از محورهای اصلی حل مسائل کشور تبدیل کرد و در این مسیر، بارها این گزاره به تصمیم گیران القا شد که برای جلوگیری از فشار و تهدید، باید از حرکت به سمت برخورداری از ظرفیت بازدارندگی سلاح اتمی فاصله گرفت. اما حاصل این مسیر چه بود؟ ایران با وجود یکی از گسترده‌ترین تجربه‌های مذاکره و همکاری با آژانس انرژی اتمی، نه تنها از فشارهای آمریکا رها نشد، بلکه با تحریم‌های گسترده‌تر، ترور دانشمندان هسته‌ای، خرابکاری در تأسیسات و نهایتاً دو جنگ مواجه شد. در اوج این فشارها نیز ترور رهبر شهید انقلاب به عنوان رأس نظام سیاسی کشور رقم خورد؛ اتفاقی که نشان داد حتی سال ها همکاری و مذاکره نیز مانع عبور دشمن از خطوط قرمز امنیتی ایران نشده است. در واقع، مقایسه این دو تجربه دست کم یک پرسش جدی را پیش روی سیاست خارجی کشور قرار می دهد: چگونه است کشوری که به درخواست های آمریکا پاسخ نمی دهد و بر توسعه توان بازدارندگی خود اصرار می ورزد، به نقطه‌ای می رسد که واشنگتن برای جلب رضایت آن گزینه های مختلف پیشنهاد می کند؛ اما ایران با وجود سال ها مذاکره و همکاری، همچنان باید تهدید، تحریم، توهین و فشار نظامی را تحمل کند؟ کره شمالی هرچند در حوزه اقتصادی و توسعه عملکردی بسیار بد داشته و این بیشتر به دلیل نوع حکمرانی و حکومت بسته آن بوده ولی در معمای امنیت و حفظ بقا با انتخاب مسیر اتمی شدن و کنار گذاشتن مسیر «مذاکره بازی» توانسته است امنیت خود را حفظ کند.

### آمریکا زبان قدرت را میفهمد، نه التماس!

البته تفاوت های ساختاری، جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران و کره شمالی قابل انکار نیست و نمی توان تمام مختصات تجربه پیونگ یانگ را عیناً به تهران منتقل کرد؛ اما مسئله اصلی، درس سیاسی و راهبردی این تجربه است. گزارش وال‌استریت ژورنال حتی فراتر از پرونده هسته‌ای، تصویری از الگوی مواجهه با آمریکایی ارائه می دهد که در آن استقلال تصمیم گیری، حفظ مؤلفه های قدرت و نپذیرفتن فشار یک جانبه، جایگاه کشور را در مذاکرات تعیین می کند.

کره شمالی برای تماس گرفتن با ترامپ صف نکشید، برای دیدار با او ابراز اشتیاق نکرد و برای جلب رضایت کاخ سفید از مؤلفه های قدرت خود دست نکشید. این واشنگتن بود که برای برقراری ارتباط تلاش کرد، نامه نوشت، نمایندگانش را برای تحویل پیام فرستاد و حتی گزینه های مختلفی برای ایجاد مسیر ارتباطی با پیونگ یانگ بررسی کرد. این همان تفاوتی است که باید در تحلیل مناسبات ایران و آمریکا مورد توجه قرار گیرد. این تجربه را باید در برابر دیپلماسی ذلیلانه و بی دستاورد جریان برجامی و رویکرد فعلی عباس عراقچی قرار داد؛ رویکردی که در آن اشتیاق برای توافق با آمریکا، حتی پس از ترور رهبر شهید کشور، همچنان با ادبیات مختلف تکرار می شود. در چنین شرایطی، به جای آنکه طرف آمریکایی برای جلب اعتماد ایران و ارائه تضمین های واقعی تلاش کند، مسئولان دیپلماسی کشور مرتب از آمادگی برای مذاکره و توافق سخن می گویند. پاسخ این ادبیات مشتقانه عراقچی نیز نه احترام و امتیاز، بلکه سیلی از تهدیدها، فحاشی ها و توهین های ترامپ، هگست، بنست و روبیو بوده است. این وضعیت نشان می دهد که ابراز اشتیاق یک طرفه برای توافق، نه تنها لزوماً طرف مقابل را به عقب نشینی وادار نمی کند، بلکه می تواند او را به این جمع بندی برساند که فشار بیشتر، امتیاز بیشتری به همراه خواهد داشت. مسئله این نیست که همه مختصات تجربه کره شمالی باید عیناً در ایران تکرار شود؛ بلکه مذاکره زمانی ابزار تأمین منافع ملی خواهد بود که از موضع قدرت، استقلال و حفظ خطوط قرمز انجام شود، نه آنکه به هدفی مقدس تبدیل شود که برای رسیدن به آن باید از مؤلفه های بازدارندگی و عزت ملی عبور کرد. ۲۳ سال تجربه ایران و روایت تازه وال‌استریت ژورنال از کره شمالی، دست کم یک درس روشن دارد: آمریکا زبان قدرت را بهتر از زبان التماس می فهمد.

**از نامه بازنشده ترامپ تا زرادخانه هسته ای پیونگ‌یانگ؛**

**وال‌استریت ژورنال روایت کرده است که تلاش‌های کاخ سفید برای تماس با کیم جونگ اون حتی به جایی رسید که مقام‌های آمریکایی شخصاً برای تحویل نامه رئیس‌جمهورشان مقابل دفتر نمایندگی کره شمالی در سازمان ملل منتظر ماندند؛ نامه‌ای که دیپلمات پیونگ‌یانگ آن را بدون بازکردن مقابل نماینده آمریکا انداخت؛ تصویری معنادار از تفاوت دیپلماسی قدرت با دیپلماسی التماس.**

یادداشت

## از مهارلابی قومی تا مقابله با دالان ترامپ

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

بحث آغاز بهره‌برداری از کریدور زنگزور با مدیریت و حضور آمریکایی ها در مرز ایران و ارمنستان، که این روزها با عنوان «دالان ترامپ» یا TRIPP شناخته می شود، بار دیگر زنگ خطر این پروژه ضد امنیتی را در شمال غرب کشور به صدا درآورده است. مسئله صرفاً احداث یک مسیر ترانزیتی نیست؛ سخن از ایجاد جای پایی برای آمریکا در یکی از حساس‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی پیرامون ایران و تغییر موازنه ارتباطی و امنیتی منطقه است؛ آن هم در مسیری که یکی از مهم‌ترین ظرفیت های اتصال ایران به اروپا از طریق ارمنستان محسوب می شود.

اما این پرونده پیش از هر چیز باید بهانه‌ای برای بازنگری جدی در ضعف های کشور در تحلیل و مواجهه با مسائل قفقاز باشد. یکی از مهم‌ترین این ضعف ها، نفوذ نگاه قومیتی ترکی در میان برخی مسئولان و تقدم دادن به ملاحظات قومیتی بر منافع ملی است. نمی‌توان باکو را به دلیل قرابت های زبانی و قومی، شریک طبیعی ایران فرض کرد و در مقابل، واقعیت های امنیتی و سیاسی رفتار حاکمیت جمهوری باکو در ارتباط با اسرائیل را نادیده گرفت. منافع ملی نه با پیوندهای قومی تعریف می شود و نه با احساسات شخصی برخی مدیران.

ارتباطات الهام علیف با رژیم صهیونیستی نیز موضوعی پنهان و غیرقابل انکار نیست؛ چه بسا ابعاد این همکاری حتی از حضور اسرائیل در کردستان عراق نیز آشکارتر باشد. سی ان ان در ماه های اخیر در گزارشی از حضور نیروهای اسرائیلی در نزدیکی مرز ایران و جمهوری آذربایجان خبر داد. همچنین شواهد و گزارش های متعددی درباره نقش باکو در پشتیبانی از حمله آمریکا و اسرائیل به ایران مطرح شده است. بنابراین باید این واقعیت برای تمام مسئولان، به‌ویژه کسانی که به واسطه پیشینه آذربایجانی خود احساس قرابت ویژه‌ای با باکو دارند، روشن باشد؛ علیف و باکو دوست راهبردی ایران نیست. قرار گرفتن باکو در کنار امارات در نقشه ائتلاف دوستان اسرائیل که نتانیاهو ارائه کرده، خود پیام سیاسی روشنی دارد.

در سوی دیگر، تهران باید با صراحت و اقتدار به نیکول پاشینیان، نخست وزیر غرب گرای ارمنستان، تفهیم کند که روابط دوستانه و کمک های چندین دهه‌ای ایران برای جلوگیری از انسداد و محاصره ارمنستان، به معنای پذیرش حضور آمریکا در مجاورت مرزهای ایران نیست. همان گونه که تهران در جنگ ۳۹ روزه حضور و استفاده آمریکا از ظرفیت کشورهای همسایه ایران برای اقدامات نظامی علیه خود را تحمل نکرد، استقرار نیروهای آمریکایی در این منطقه، حتی با پوشش های تجاری و ترانزیتی، نمی‌تواند بدون واکنش بماند. ارمنستان باید میان همکاری اقتصادی با ایران و میزبانی از ساختارهای نفوذ امنیتی آمریکا انتخاب روشنی داشته باشد.

مرحله سوم، نمایش عملی اراده بازدارندگی ایران است. اگر این دالان به بستری برای استقرار نظامی آمریکا و تهدید مرزهای کشور تبدیل شود، تهران باید به سرعت با حمله به این کریدور و هدف قرار دادن مراکز آمریکایی مانع تثبیت آن شود و هیچ گزینه دفاعی مشروعی را از پیش کنار نگذارد. باکو نیز باید هزینه سیاست های ضدایرانی و همکاری امنیتی با تل‌آویو را در محاسبات خود ببیند. قفقاز حیاط خلوت آمریکا نیست و امنیت مرزهای ایران موضوعی قابل معامله نیست. دوران خوش‌بینی به باکو و چشم‌پوشی از تحرکات واشنگتن باید تمام شود. در این میدان، نه قومیت، بلکه منافع ملی باید قطب‌نمای تصمیم‌گیری باشد.

# نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir




یادداشت

## سینمای ایران و آدرس غلط در بازنمایی رنج زنان!

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

امروز، ۲۵ نوامبر، روز جهانی منع خشونت علیه زنان است. به همین بهانه، بد نیست نگاهی به یکی از تناقضات جدی سینمای ایران بیندازیم. سینمایی که سال‌هاست ژست بازنمایی رنج زنان را یدک می‌کشد، اما در عمل، بخش قابل توجهی از واقعیت زندگی آنان را نادیده می‌گیرد.

سالهاست که دغدغه سینمای موسوم به اجتماعی ایران، عمدتاً متوجه زنانی است که به طبقه متوسط شهری و فضای فرهنگی غرب‌گرا تعلق دارند. زنانی که مسائل و مطالباتشان با الگوهای فکری فمینیسم متعارف همخوانی دارد و معمولاً در نسبت با موضوعاتی نظیر ازدواج، طلاق، پوشش، مناسبات عاطفی و محدودیت‌های خانوادگی تعریف می‌شوند. انگار زن ایرانی، فارغ از موقعیت اقتصادی، جغرافیایی و طبقاتی‌اش، چیزی جز همین تیپ اجتماعی نیست. در این منظومه، زنان طبقات فرودست، زنان کارگر، زنان بدسرپرست و بی‌سرپرست و آنهایی که هرروز برای تأمین حداقل معاش با مناسبات خشن اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اساساً سهم چندانی از قاب دوربین ندارند. اینجاست که با نوعی انحصارطلبی طبقاتی مواجه می‌شویم که حتی در تعریف مسئله زن نیز خود را نشان می‌دهد.

همین جماعت در روزهای آشوب‌های موسوم به «زن، زندگی، آزادی!» نیز چنان تمام مسئله زنان را به آزادی پوشش تقلیل داده بودند که گویی هیچ صورت دیگری از تبعیض و خشونت وجود خارجی ندارد. حال بماند که برخی از همین قشر از کسانی بودند که در رابطه با سوءاستفاده از زنان در سینما در مظان اتهام قرار داشتند. اما گذشته از این، آیا زنی که برای امرارمعاش ناچار است در محیط کاری ناامن، تحقیر، تهدید، آزار جنسی و سوءاستفاده کارفرما را تحمل کند، در تعریف اینان از حقوق زنان جایی دارد؟ آیا زنانی که به دلیل فقدان پشتوانه اقتصادی و اجتماعی، امکان اعتراض به مناسبات خشونت‌آمیز محیط کار را ندارند، اساساً دیده می‌شوند؟

اتفاقاً بخش مهمی از خشونتی که باید درباره آن سخن گفت، در همین مناسبات پنهان است. جایی که فقر، وابستگی اقتصادی و فقدان حمایت اجتماعی، زن را در موقعیتی قرار می‌دهد که حتی امکان دفاع از ابتدایی‌ترین حقوق خود را ندارد. خشونتی که در دل مناسبات استثماری و روابط نابرابر طبقاتی بازتولید می‌شود.

صدالبته منظور ما این نیست که سینما نباید درباره ازدواج، طلاق یا آزادی‌های مدنی در چارچوب اسلام فیلم بسازد. اما باید پرسید که چرا تمام افق دید به همین محدوده کوچک تقلیل یافته است؟ سینمایی که مدعی دفاع از حقوق زنان است، اگر فقط رنج زنان طبقه متوسط و غرب‌گرای شهری را به رسمیت بشناسد و چشم بر رنج زنان فرودست ببندد، بیش از آنکه در حال بازنمایی واقعیت باشد، مشغول بازتولید یک صورت‌بندی ایدئولوژیک از مسئله زن است. خشونت علیه زنان فقط آن چیزی نیست که در روایت‌های جشنواره پسند می‌بینیم. گاهی درست در جایی اتفاق می‌افتد که دوربین این سینما اساساً میلی به دیدنش ندارد.

انتقاد تازه بازیگر ایرانی از هالیوود، فراتر از یک گلایه شغلی است

# واقعیت غرب همین است؛ حتی برای گلشیفته

**گلشیفته فراهانی که طی سال‌های گذشته به یکی از چهره‌های شناخته‌شده مخالف جمهوری اسلامی در خارج از کشور تبدیل شده و در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ نیز نقش فعالی در بازتاب و حمایت از این جریان داشت، حالا در اظهاراتی تازه از تصویری که هالیوود از ایران و منطقه غرب آسیا می‌سازد انتقاد کرده است. او در جشنواره فیلم شب‌های سیاه تالین، از پیشنهاد نقش‌هایی گفته که در آمریکا به او می‌رسیده‌اند و اغلب به تروریست‌ها، افراد مرتبط با عملیات تروریستی یا شخصیت‌هایی در فضای زیرزمینی تهران مربوط بوده‌اند. او همچنین از اینکه در محافل بین‌المللی مدام درباره سیاست و ایران از او سؤال می‌شود ابراز خستگی کرده است.**



مسعود صفری
روزنامه‌نگار

اظهارات تازه فراهانی در جشنواره فیلم شب‌های سیاه تالین و در نشست «زنان، جنگ و شاهدان: سینما در دوران بحران جهانی» مطرح شد. احمد صحوکی، روزنامه‌نگار مصری و گرداننده نشست، از او پرسید که آیا به عنوان بازیگری ایرانی در عرصه بین‌المللی، میان پرداختن به هنر و سخن گفتن درباره وضعیت سیاسی کشورش احساس دوگانگی می‌کند. پاسخ فراهانی روشن بود: «دوست داشتم اینجا بنشینم و درباره سینما صحبت کنم، اما مدام بی‌دلیل درباره سیاست از من سؤال می‌شود.» او برای توضیح این وضعیت به بازیگران غربی اشاره کرد و گفت کسی از جولیا رابرتز یا جنیفر لارنس دائماً درباره دونالد ترامپ سؤال نمی‌کند.

اما بخش مهم‌تر سخنان او به تجربه ورودش به صنعت سینمای آمریکا مربوط می‌شد. فراهانی گفت زمانی که به آمریکا رفت، پیشنهادهایی که برای بازی دریافت می‌کرد عمدتاً درباره تروریست‌ها، افراد مرتبط با عملیات تروریستی یا محافل زیرزمینی تهران بود. او تأکید کرد که با وجود مشکلات مالی، حاضر به پذیرش چنین نقش‌هایی نشده است. فراهانی این تصویرسازی را «تبلیغات» خواند و گفت مردم منطقه قربانی تبلیغات آمریکا هستند. او همچنین از سلطه استودیوهای آمریکایی بر روایت تاریخی سخن گفت و مفهوم برتری‌طلبی سفیدپوستان را در تصمیم‌گیری درباره تأمین مالی و بازنویسی تاریخ مطرح کرد.

گلشیفته فراهانی که در ایران سرآمد بازیگران هم‌نسل خودش بود، با آرزوی زیستی شبیه سفیدپوستان به غرب رفت و سعی کرد با چاشنی مخالفت با جمهوری اسلامی به نان و نوایی برسد. اما در مقابل چیزی که پس از خروج از ایران به کارنامه فراهانی اضافه شد، تقریبا «هیچ» بود. چرا که پس ظاهر شیک و پرزرق و برق تمدن سفیدپوستان، بوی تعفن نژادپرستی بیداد می‌کند. تا جایی که بوی این تعفن به مشام ضعیف امثال گلشیفته فراهانی نیز رسیده است.

بنابراین موضع اخیر گلشیفته فراهانی را باید در کنار سابقه سیاسی او دید. فراهانی پس از خروج از ایران، بارها علیه جمهوری اسلامی موضع گرفت. او در جریان اغتشاشات پس از درگذشت مهسا امینی، در گفت‌وگو با روزنامه لوموند از اغتشاشگران حمایت کرد. همچنین در جنگ‌های دوازده روزه و رمضان، در کنار دشمنان ایران ایستاد. بنابراین سخنان تازه او را نمی‌توان به سادگی نشانه بازگشت از مواضع پیشین دانست. با این حال گویا تجربه او از فضای مخالفان خارج‌نشین و اراذل سلطنت‌طلب، چهره متفاوتی از مخالفین جمهوری اسلامی برای گلشیفته فراهانی رقم زده است. حالا بازیگری که با رویاها و آرزوهای فراوان ایران را به سمت هالیوود و سینما ترک کرده بود و زمانی در فضای رسانه‌ای غرب به نماد مخالفت با ایران تبدیل شده بود، از همان رسانه‌ها می‌خواهد دست از مصادره هویت و رنج مردم منطقه بردارند.

یادداشت

## مرد سه‌هزار چهره دستپخت شورو وفاق است

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

احیای برند مرد هزارچهره با ساخت فصل سوم این سریال شکست خورد، چراکه پس از فروکش کردن هیجان کاذبی که به‌خاطر کنجکاوی از عاقبت تیپ مسعود شصتچی در قسمت‌های نخست ایجاد شده بود، عیار واقعی اثر به سرعت مشخص شد و آشکار گردید که دست مهران مدیری و تیم نویسندگی‌اش چقدر خالی است. در نتیجه، مخاطبان به سرعت متوجه شدند که تکیه بر اعتبار گذشته و تکرار کلیشه‌های پیش‌پاافتاده، دیگر نمی‌تواند آن‌ها را راضی نگه داشته و ایشان را پای گیرنده‌های تلویزیونی میخکوب کند. البته در این میان، تقصیر را نباید گردن صداوسیما انداخت، زیرا بازگشت دوباره مدیری به قاب رسانه ملی، دستپخت رسانه‌های وفاقی و کارگزاران یا به عبارتی دیپ‌استیت نظام بود.

در واقع، این جریانات با مهندسی افکار عمومی و بهره‌گیری از تریبون‌های خود، تلاش کردند تا با پیش کشیدن نام یک چهره طنزپرداز، تمرکز مخاطبان را از مسائل اصلی جامعه منحرف کنند. آن‌ها به خوبی می‌دانستند که تکیه بر چهره‌های تاریخ مصرف گذشته، تنها یک مسکن موقت است، اما برای پیشبرد اهداف خاص خود و ایجاد حاشیه امن، نیازمند چنین پروژه‌های پرهزینه‌ای بودند. وگرنه مدیران دوره تحول داشتند کارشان را به خوبی پیش می‌بردند و هدف اصلی آن‌ها، احیای هویت ایرانی و اسلامی و بازگرداندن رسانه ملی به روزهای خوب گذشته بود. این دلسوزان با تکیه بر استعدادهای بومی، جوانان متعهد و محتوای اصیل، در مسیر درست حرکت می‌کردند و معتقد بودند که جام جم باید آینه تمام‌نمای ارزش‌های انقلاب و فرهنگ غنی این مرز و بوم باشد، نه ویترینی برای سلبریتی‌هایی که از تکرار مکررات خسته شده‌اند و دیگر توان خلق اثر فاخر را ندارند. با وجود این، باید گفت که این اتفاق مبارک هنوز به‌طور کامل به نتیجه نرسیده است. دلیل این تاخیر، ناکارآمدی مدیران نیست؛ صداوسیما این روزها آماج حملات شدید و همه‌جانبه از طرف جریانات بدنام سیاسی قرار گرفته است. این جریانات با هرابزاری، از فشارهای اقتصادی تا نفوذ در لایه‌های تصمیم‌گیری، سعی در ناکام گذاشتن سند تحول در رسیدن به اهداف دارند. به بیان دیگر، آن‌ها نمی‌خواهند رسانه ملی به استقلال واقعی و هویت بومی خود بازگردد و از این رو با ایجاد حاشیه‌های مصنوعی، مسیر پیشرفت را سد می‌کنند و اجازه نمی‌دهند چرخ آن به درستی بچرخد. در نهایت، صیانت از دستاوردهای ارزشمند دوره تحول نیازمند هوشیاری بیشتر و بصیرت افزایی است. تا زمانی که این حملات سازمان یافته و همه‌جانبه ادامه دارد، بازگشت به آن روزهای طلایی نیازمند مقاومت و ایستادگی در برابر نفوذی‌هاست. بدون شک، رسانه ملی به عنوان سنگر فرهنگ، باید با قاطعیت در برابر این توطئه‌ها بایستد و اجازه ندهد هیچ جریان انحرافی، مسیر تعالی آن را متوقف سازد.

## فراخوان سومین جایزه ملی روایت پیشرفت منتشر شد




فراخوان سومین دوره «جایزه ملی روایت پیشرفت» با شعار «روایت کن از این قفنوس بر بام جهان، ایران» منتشر شد. این رویداد با هدف بازنمایی دستاوردهای ایران اسلامی، تقویت خودباوری ملی، امیدآفرینی و ثبت حماسه‌های مسیر پیشرفت و مقاومت کشور برگزار می‌شود. در این دوره، اهالی قلم و اندیشه، هنرمندان، پژوهشگران، فعالان رسانه‌ای و نسل جوان می‌توانند آثار خود را در ۱۲ بخش کتاب، سینما و تلویزیون، شعر و موسیقی، هنرهای تجسمی، خبر و مطبوعات، فضای مجازی، صنایع فرهنگی، آموزش و پژوهش، حکمرانی، دانشجویی، دانش‌آموزی و بین‌الملل ارائه کنند.

محورهای این دوره موضوعاتی همچون نقش جوانان و مدیریت جهادی، همبستگی اجتماعی، مرجعیت علمی ایران، نقد الگوهای وابسته غربی و دستاوردهای علمی، دفاعی و فناورانه کشور را دربرمی‌گیرد. همچنین در بخش ویژه با عنوان «روایت پیشرفت در آینه جنگ تحمیلی سوم»، موضوعاتی نظیر نقش رهبر شهید، انسجام ملی در شرایط جنگی، جایگاه ایران در نظم جدید جهانی، نقش بانوان و خانواده در پشتیبانی جنگ، پیشرفت‌های دفاعی و بازسازی کشور مورد توجه قرار گرفته است. علاقه‌مندان تا پایان ۳۰ آذر ۱۴۰۵ فرصت دارند آثار خود را در پایگاه اینترنتی این جایزه به نشانی pish-raft.ir ثبت کنند.